

به کارگران نفت و گاز، پتروشیمی ها، صنایع فلزی و خودرو سازیها

## جامعه شما را به میدان رهبری فرامیخواند!

فراخوان حزب حکمتیست به سوسیالیست ها، آزادیخواهان و برابری طلبان در خارج کشور

در حمایت از جنبش کارگری ایران متحدانه وارد عمل شویم!

### اعتصاب هفته تپه

دستاوردهای تکنونی و چشم انداز پیروزی

صفحه ۴

سیاوش دانشور

### اعتصاب همزمان کارگران نفت و پتروشیمی ها

جایگاه زنجیره اعتصابات در خشان نفت و مراکز کلیدی کارگری

صفحه ۸

رحمان حسین زاده

سکوت در مقابل ناسیونالیسم

پیرامون مصاحبه دبیر اول کومه له با رادیو دیالوگ

همایون گدازگر

کمدی "یافتیم! یافتیم!"

منصور حکمت و مجازات اعدام

آذر ماجدی

تصویب قرارداد منع کار کودکان

توسط سازمان ملل

پروین کابلی

جدال در خیابان با اپوزیسیون

بورژوازی

جاوید حکیمی

آقای طبرزدی از کارگران بیاموزید!

سیاوش دانشور

زنده باد اعتصاب، مدرسه انقلاب!

اعتصاب کارگران مراکز صنعتی

گسترش می یابد!

۵۵۵

# حکمتیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۷ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۷ اوت ۲۰۲۰

### پیام همدردی

با مردم فاجعه دیده لبنان

مردم بی دفاع و عادی بیروت بار دیگر قربانی یک فاجعه عظیم شدند. روز سه شنبه ۱۴ مرداد، انفجار بزرگ و مهیبی در بندر بیروت رخ داد که کل یک منطقه را ویران کرد و تاکنون حداقل ۱۳۵ نفر کشته، بیش از ۵۰۰۰ زخمی، صدها نفر مفقودالثر و ۳۰۰ هزار نفر بی خانمان شده اند. آنطور که از اظهارات مقامات لبنان برمی آید، شمار قربانیان از ارقام تاکنون اعلام شده فراتر می رود.

هنوز دلایل دقیق این انفجار اعلام نشده است، اما نفس اینکه در محل زندگی و کار مردم بطور انبوه مواد شیمیایی خطرناک انبار شده، خود نشانه بی مسئولیتی محض حکومت قومی - مذهبی در قبال ساکنین در این کشور است. این فاجعه یکبار دیگر نشان داد که حکومت طایفه ای و فدرالی در لبنان محل آسایش و زندگی عادی مردم و بانی فقر و فلاکت آنهاست و باید برود. مردمی که هفته ها در خیابانهای بیروت شعار اسقاط نظام را میدادند، بدون تردید این هدف را پیگیرتر دنبال خواهند کرد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با خانواده ها و بستگان قربانیان این فاجعه هولناک اظهار همدردی و به آنها تسلیت میگوید. ما برای هزاران نفر انسان بیگناه و شهروندانی که طی این فاجعه زخمی شدند آرزوی بهبودی داریم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۵ مرداد ۱۳۹۹ - ۵ اوت ۲۰۲۰

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## پیام حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

## به کارگران نفت و گاز، پتروشیمی ها، صنایع فلزی و خودرو سازها

## جامعه شما را به میدان رهبری فرامیخواند!

کارگر است که میتواند رژیم اسلامی را بر زمین بکوبد، امکان بازسازی حکومت سرمایه داری را از جناحهای متفرقه بورژوازی در حکومت و اپوزیسیون بگیرد؛ و بعنوان یک راه حل جذاب، قابل اعتماد، در دسترس، قدرتمند، یک راه حل آزادیخواهانه سوسیالیستی قد علم کند. پیروزی کارگری در ایران بر ارتجاع اسلام سیاسی، نه فقط به مشقات صد ساله و دیکتاتوری پشت دیکتاتوری پایان میدهد بلکه شیشه عمر جنبش اسلامی را بر زمین می کوبد و منشا تحولات زیر و رو کننده در منطقه و جهان خواهد شد. امروز چشم امید دهها میلیون انسان معترض و به فقر و فلاکت اقتصادی محکوم شده به شما دوخته شده است.

کارگران نفت و گاز، پتروشیمی ها، صنایع فلزی، خودرو سازها، کارگران صنایع مهم و کلیدی ایران هستند که ورودشان به مبارزه و اعتصاب کل صحنه سیاسی را عوض می کند. همه میدانند که اگر شما برخیزید، اگر این غول بیدار شود، اگر صدای اعتراض و اعتصاب پرولتاریای صنعتی فضای ایران را تسخیر کند، کل اردوی ارتجاع و سرمایه، کل قدرقدرتی بورژوازی مرتجع اسلامی، با ارتش و سپاه و یگان ویژه و دادگاهها و زندانها و شلاق و ماشین اعدام، بسرعت مضمحل و فرو می ریزد.

امروز وقت آنست که به سنت مبارزاتی قدیمی و ریشه دار جنبش شورائی، به سازماندهی قویتر مجامع عمومی کارگری، به سنت اعمال اراده مستقیم و مستمر کارگری و توده ای، به اعتصاب و اعتراض همزمان و همگام در سطح رشته ها و شهرها و استانها، به حمایت از همدیگر و تقویت جبهه همبستگی و اتحاد طبقاتی، به حزب سیاسی کمونیستی و کارگری مان متکی شویم و در راس جنبش توده ای و بعنوان رهبر آزادی جامعه قد علم کنیم. جنبشهای مختلف و مطالبات قسمتی برای استیفای حقوق خود شاید نیازی به نفی حاکمیت سرمایه و آزادی جامعه نداشته باشند، اما طبقه کارگر آزاد نمی شود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند، مگر اینکه کل ریشه های ستم و تبعیض و استثمار و بردگی مزدی و مالکیت خصوصی را درهم بکوبد و براندازد.

رفقای کارگر!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با اشتیاق و امید برای اینروزها لحظه شماری و برای عروج کارگر بعنوان بازیگر اصلی سیاست و پیشروی و پیروزی راه حل کارگری تلاش کرده است. جامعه ایران و اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی با اعتصاب شما نیروی جدیدی گرفته است. فراخوان ما به رفقای کارگر در بخشهای دیگر مجموعه نفت و گاز، پالایشگاههای مختلف ایران، اسکله ها، پتروشیمی ها، کارگران فلز اعم از آهن و صنایع فولاد، کارگران معادن، کارگران ماشین سازها و قطعه سازها، اینست که رفقایان را تنها نگذارید و به اعتصاب

صفحه ۳

رفقای کارگر، اعتصابات چند روز اخیر شما در پالایشگاههای نفت و گاز و مراکز پتروشیمی خوزستان، استان فارس و اصفهان، تنها نوک کوه یخ یک جنبش اعتراضی و اعتصابی گسترده است که یک تغییر واقعی و زیر و رو کننده را به دهها میلیون انسان اسیر فقر و فلاکت اقتصادی بزعامت جمهوری اسلامی نوید میدهد. ورود کارگران صنعت نفت و صنایع مهم و کلیدی ایران به اعتصاب همزمان تحولی بزرگ و تعیین کننده در روند سیاسی است. آغاز اعتصاب شما امید را به صفوف طبقه کارگر و جامعه و کل بورژوازی را به وحشت مرگ انداخته است.

سالها کشمکش با جمهوری اسلامی بعنوان رژیم حافظ نظام سرمایه داری و مسبب و بانی کلیه مشقات جامعه ایران، بویژه خیزشهای توده ای و کارگری از دیماه نود و شش تاکنون، بر این حقیقت روشن تاکید دارد که دوره حاکمیت جمهوری اسلامی به پایان رسیده است. رژیم اسلامی علیرغم کشتار مهیب و سبعانه آبانماه نود و هشت نتوانست و نمی تواند از بحران کنونی عبور کند. خیزشهای دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ روی دوش اعتصابات توده ای کارگری شکل گرفت و امروز نیز اعتصابات بزرگ و شکوهمند کارگران نفت و گاز و پتروشیمی و برق، مرحله جدیدی از ادامه این روند و موتور محرکه خیزشهای توده ای است. جمهوری اسلامی به حکم واقعیات سیاسی و اجتماعی و بحران همه جانبه و لاینحل و نفرت عمومی از این حکومت رفتنی است. این رژیم باید برود و این حکم ما طبقه کارگر ایران، حکم جنبش برابری طلبی زن و مرد، حکم نسل جوانی که سهمش را از آینده طلب میکند، حکم جامعه ای است که بیوقفه برای تحقق آزادی و برابری و رفاه و حرمت انسانها در ایران تلاش میکند.

کلیدی ترین مسئله امروز سیاست ایران سازماندهی و اعمال رهبری است. در شرایطی که سرنگونی طلبی به بستر اصلی سیاست ایران بدل شده و تلاش برای سرنگونی کلیت حکومت اسلامی فی الحال نبردهای بی امان و قهرمانانه ای را تجربه کرده است، در حالی که نیروها و جنبشهای بورژوازی برای انتقال قدرت تلاش می کنند، این اوضاع شما کارگران مراکز کلیدی و پرولتاری صنعتی ایران را به میدان رهبری فرامیخواند.

انقلاب ۵۷ ایران تنها زمانی به سقوط رژیم سلطنتی منجر شد که کارگر نفت با اعتصاب در صف اول طبقه کارگر و در راس جنبش اعتراضی و توده ای قرار گرفت. سقوط رژیم سلطنتی تنها وقتی ممکن شد که کارگر نفت بعنوان "رهبر سرسخت" قد علم کرد. شرایط امروز ایران و منطقه و دنیا با دوره انقلاب ۵۷ تفاوتی اساسی دارد، اما در این واقعیت تغییری نمی دهد که تنها جنبش سوسیالیستی طبقه

مرگ بر جمهوری اسلامی!

فراخوان حزب حکمیت به سوسیالیست ها، آزادیخواهان و برابری طلبان در خارج کشور

## در حمایت از جنبش کارگری ایران متحدانه وارد عمل شویم!

همه شما اذعان دارید که ورود همگام و هماهنگ بیش از ده هزار نفر از کارگران پالایشگاه ها و شرکت های زیر مجموعه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ها در شهرهای خوزستان و استان فارس و اصفهان به عمل مبارزاتی و اعتصابی، تحول بسیار مهم و تعیین کننده ای در سیر اوضاع سیاسی ایران است. جامعه در هفته های اخیر ملتهب بود و همه انتظار تحولات مجدد توده ای علیه فقر و فلاکت اقتصادی و گرانی و بیکاری را داشتند. بمیدان آمدن کارگران مهمترین و کلیدی ترین صنایع ایران اما روند اوضاع را در سیر جدید و خطیری قرار داده است. اعتصاب شکوهمند کارگران هفت تپه، اعتصاب کارگران اتوبوسرانی ارومیه، بازگشت مجدد معلمان به اعتراض، دهها اعتصاب بزرگ و کوچک دیگر که هر روز گسترش می یابد، همه منعکس کننده فضای اعتراضی و ملتهب جامعه و ظرفیت بالای اعتراضی کارگران و مردم محروم علیه وضعیت کنونی است.

همراه با قطبی شدن اوضاع سیاسی ایران، شاهد گسترش تحرک جریانات دست راستی و طرفدار روشهای کودتائی و از بالای سر مردم هستیم. راست و چپ در مقیاس جامعه خود را برای دخالت در این اوضاع بحرانی آماده می کند. تند شدن تقابل جامعه با حکومت و گسترش اعتراض در فضای محدود کننده بیماری کرونا، بیاتگر اینست که مردم ایران بیش از پیش به این نتیجه رسیده اند که این وضعیت قابل دوام نیست و باید از حکومت اسلامی بسرعت عبور کرد. عروج مجدد کارگران مراکز کلیدی در سیاست ایران، امید و قدرت عظیمی را به اعتراضات توده ای و سرنگونی طلبانه داده است. این امکان وجود دارد که اینبار جنبش رهانبخش کارگری در راس مبارزه توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای برپائی یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و خوشبخت سوسیالیستی قرار گیرد.

### ایرانیان آزادیخواه خارج کشور!

انتظار اینست که نیروهای سیاسی آزادیخواه، کمونیسیت ها و سوسیالیست ها، فعالین کارگری، نهادهای دفاع از حقوق کارگران، آزادیخواه و برابری طلبان، در یک حرکت جمعی در دفاع از جنبش کارگری و خواستهای برحق آن بمیدان بیایند. وقت آنست که نقش مان را بطور شایسته ایفا کنیم. ضروری است فضای خارج کشور حول دفاع از جنبش کارگری و افق آزادی جامعه قطبی شود. انتظار اینست که بسرعت اقدامات مشخص و تعرضی به جمهوری اسلامی علیه اعدامها، علیه سرکوب شهروندان، در دفاع از کارگران و حقوق برحق و پایمال شده آنان صورت گیرد. ما میتوانیم و باید جنبش بین المللی کارگری، اتحادیه ها و سازمانهای کارگری جهان را در حمایت از طبقه کارگر ایران و مبارزه توده ای مردم علیه جمهوری اسلامی بمیدان بیاوریم.

حزب کمونیسیت کارگری - حکمیت در خارج کشور با اشتیاق بعنوان بخشی از این حرکت عمومی فعالانه شرکت و تلاش میکند در دفاع از برآمد جدید کارگری و توده ای سهم شایسته خود را ایفا کند. این نبردی که برسر معیشت و امنیت شغلی، نفی شرکتهای پیمانی و قراردادهای برده وار، علیه فقر و فلاکت اقتصادی آغاز شده است، مسئله دهها میلیون کارگر و مردم زحمتکش در ایران است. ما همه شما را مستقل از تفاوت های سیاسی و نظری، بعنوان انسانهای آزادیخواه و نیروهائی که به یک پیروزی کارگری در ایران چشم دوخته اند، دعوت میکنیم که فعالانه در این حرکت عمومی شریک شوید. از اعتصابات و اعتراضات شکوهمند کارگری و مبارزات توده ای قریب الوقوع علیه وضع موجود فعالانه و قدرتمند حمایت کنیم!

حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمیت

۱۵ مرداد ۱۳۹۹ - ۵ اوت ۲۰۲۰

به کارگران نفت و گاز، پتروشیمی ها،

صنایع فلزی و خودرو سازها

جامعه شما را به میدان

رهبری فرامیخواند ...

ببینید. از کارگران کارخانه و مراکز کار در صنایع متوسط و کوچک، از بخشهای مختلف جنبش کارگری و معلمان و بازنشستگان و پرستاران انتظار اینست که با تمام توان از اعتصاب کارگران نفت، گاز، پتروشیمی، برق، هپکو و نیشکر هفت تپه قاطعانه و پرشور حمایت کنید.

زمان برای دخالت وسیع طبقه کارگر در صحنه سیاسی فرا رسیده است. تقابل با فقر و فلاکت اقتصادی گسترده طبقه ما، تبدیل شورشهای قریب الوقوع توده ای گرسنگان و بیکاران به حرکت امیدبخش و عملی سازمانیافته و آگاهانه، در گرو دخالت سیاسی و اعتصابی کارگران مراکز کلیدی است. کارگران می توانند و باید در راس جنبش برای سرنگونی بار دیگر به رهبر سرسخت آزادی جامعه بدل شوند. کارگران می توانند همراه با پایان دادن به حاکمیت منحوس اسلامی به حاکمیت سرمایه و ارتجاع در ایران پایان دهند. کارگران می توانند الگوی آزادی قرن بیست و یکمی در منطقه و جهان شوند. در این مبارزه و نبرد سهمگین طبقاتی، کنار شما هستیم و همراه باهم سنگر به سنگر برای پیروزی تلاش خواهیم کرد. درود بر اعتصاب و رزم و اتحادتان!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمیت

۱۴ مرداد ۱۳۹۹ - ۴ اوت ۲۰۲۰

زنده باد مجمع عمومی و اعمال

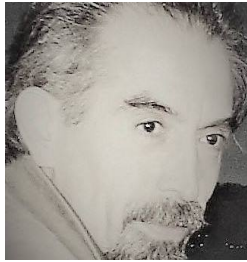
اراده مستقیم و مستمر کارگران!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

## اعتصاب هفته تپه،

### دستاوردهای تکنونی و چشم انداز پیروزی

سیاوش دانشور



کارگران اشاره کرد. مضافاً اینکه سوال محوری و مطالبه اصلی این اعتصاب نه برسر دستمزد و دفترچه بیمه بلکه برسر تعیین تکلیف آینده شرکت و نوع مالکیت و بازگشت کارگران اخراج شده به کار است. سیاست درست اینست که خود کارگران در مجمع عمومی شان تصمیم بگیرند که چه زمانی و تحت چه شرایطی اعتصاب را تمام کنند و طی

دوره اعتصاب فعالانه از آنها حمایت کرد. تداوم اعتصاب با ویژگی های اوضاع مشخص هفت تپه، نه فقط ضروری بلکه درست ترین سیاست بود. شرایط کنکرتی وجود دارد که کارگران میتوانند خواستهائی را که دستکم از اعتصابات سال ۹۷ طرح کرده اند، اینبار متحقق کنند. مسئله کلیدی کنونی برسر بقای هفت تپه، تعطیل نشدن آن، سرنوشت ۵۰۰۰ کارگر و خانواده های آنان و بعبارتی شهر شوش و حومه است.

#### نتیجه وعده های تکنونی

تا به موضوع دستمزدهای معوق و تمدید دفترچه های بیمه مربوط می شود، جلسه اواسط تیر ماه وزارت تعاون که بدون حضور نمایندگان کارگران صورت گرفت، از نماینده قوه قضائیه تا کارفرما و مسئولین و نمایندگان نهادهای دولتی دیگر از جمله تامین اجتماعی، دستجمعی تعهد دادند که دستمزدها را تماماً و حداکثر تا دهم مرداد ماه پرداخت و دفترچه های بیمه را تا آخر سال جاری تمدید می کنند. امروز ۱۷ مرداد است و هیچکدام از این تعهدها و وعده ها تحقق نیافته است. روز شنبه ۱۱ مرداد، در ۴۸ مین روز اعتصاب، هیئتی سه نفره از مجلس اسلامی برای "بررسی مشکلات کارگران" به شوش آمد و مقابل فرمانداری کارگران با شعار "مرگ بر اسد بیگ"، "خوزستان بیچاره مسئول خوب نداره"، "نه رستمی نه بیگی، شرکت بشه دولتی" از آنها استقبال کردند. در اینروز جلسه ای در فرمانداری با حضور تعدادی از نمایندگان و کارگران هفت تپه برای اولین بار صورت گرفت. در جلسات قبلی شورای اسلامی را شرکت می دادند و تظاهر به بی اعتنائی به اعتصاب و نمایندگان واقعی کارگران می کردند. در این جلسه اعلام شد که کارگران را به جلسه کمیسیون اصل نود مجلس دعوت می کنند و مسائل را یک به یک حل می کنند.

#### جلسه تهران و نتایج آن

روز چهارشنبه ۱۵ مرداد در تهران جلسه کمیسیون اصل نود مجلس با حضور ده نفر از نمایندگان کارگران برگزار شد. حاصل این جلسه نیز یک مشت وعده است از جمله: اول، بیمه ها تا آخر مرداد ماه پرداخت و دفترچه های بیمه تا آخر سال تمدید میشود. دوم، حقوق های معوق سه ماه گذشته یعنی اردیبهشت و خرداد و تیر را پرداخت و بودجه ای برای آن اختصاص میدهند. سوم، کارگران اخراجی را به کار برمیگردانند. چهارم، خصوصی سازی تکنونی مسیر درستی نداشته است، اسدیگی ها "اهلیت" نداشته اند، مالکیت آنها سلب و بجای آنها کارفرمائی "با اهلیت" را تعیین می کنند.

آنچه که در تهران گفته شده هنوز مشتکی وعده است اما یک پیروزی برای اعتصاب محسوب می شود. اگر کارگران به توصیه های نادقیق توجه می کردند، همین دستاورد را هم کسب نمی کردند. اگر همه این وعده ها از جمله پرداخت حقوق ها، تمدید دفترچه های

امروز جمعه ۱۷ مرداد، کارگران هفت تپه ۵۵ روز است که در اعتصاب اند. در این مدت مسائل زیادی حول و حوش این اعتصاب طرح شد، توطئه های فراوانی علیه آن صورت گرفت و یک به یک شکست خورد، جلسات متعددی با و بدون حضور نمایندگان کارگران برگزار شد، وعده و تعهد داده شد و البته اجرا نشد، اما نهایتاً به نقطه ای رسیده است که پیروزی اعتصاب تقریباً مُسجل شده است.

یک نکته را باید از ابتدا گفت و از آن درس گرفت. کمتر از سه هفته از اعتصاب نگذشته بود که زمزمه های مختلفی برای پایان دادن به اعتصاب آغاز شد. این سخنان که بعضاً در قالب "توصیه های دوستانه و اظهار نگرانی" عنوان میشد در روزها و هفته های بعد شدت گرفت. محتوای بحث این بود که "کارگران خسته شدند"، "نباید گذاشت کارگران در این هوای گرم فرسوده شوند"، "بهتر است امتیازی گرفت و اعتصاب را خاتمه داد تا کارگران برای دور بعد آماده شوند"، "همه خواسته های اعتصاب همیشه متحقق نمی شود" و "برخی خواسته های طرح شده از جمله نفی خصوصی سازی خصوصیت هفت تپه ای ندارند". این جملات بی آزارند، در شرایطی میتوانند درست باشند و ظاهراً به نوعی تجربه اعتصابات کارگری متکی اند. اما حرف ناگفته اینست که اولاً، برخی بجای کارگران هفت تپه خسته شده بودند و ثانیاً، تلقی و اطلاع درستی از چند و چون اعتصاب نداشتند.

در جایی مثل ایران که کارفرمایان هیچوقت، بجز موارد نادری، حقوق دوران اعتصاب را نداده اند، ورود کارگر به اعتصاب همواره با حساب و کتاب است. اینکه کارگر چند روز میتواند این جیب و آن جیب کند، کی شروع کند و کی خاتمه دهد، چه مسائلی مطرح کند و کجا آگاهانه و بعد از گرفتن کدام مطالبات اعتصاب را تمام کند، در دوره اعتصاب جواب کدام مشکلات عملی و سازمانگرا نه و سرکوبگرا نه را بدهد و غیره، اینها جزو مفروضات اولیه اعتصابات کارگری برای رهبران عملی و سازماندهندگان اعتصاب بوده است. اما نسخه ای برای تمام فصول نداریم، اینطور نیست که گویا هر اعتصابی طبق یک جدول ریاضی قدم بقدم همین مسیر را می رود و جز این نمی شود! در هفت تپه کارگر چه اعتصاب را ادامه دهد و چه تمام کند از پرداخت حقوق خبری نیست. کارگران هفت تپه دستکم سالهاست که برای گرفتن حقوق معوق یک الی دو ماه باید مرتباً اعتصاب کنند. کارگری که دستکم سه ماه حقوق نگرفته و کارفرما پیشاپیش گفته که "حقوق برج یک را برج چهار میدهم و حقوقهای بعدی را شش ماه بعد"، در جایی که کارفرمایان فاسد و اختلاسگر در دادگاه هستند و پروژه خصوصی سازی با شکست مواجه شده است، این توصیه ها نه سنجیده است و نه در این مجتمع صنعتی مشخص موضوعیت دارد. همینطور سازماندهی اعتصاب بگونه ای بود که شرکت و مسائل اساسی و بخشهایی از کارگران در اعتصاب نبودند اما حامی اعتصاب بودند. کافی است به دستگیری چهار نفر از نمایندگان کارگران و خروش دو هزار نفری روز بعد آنان و یا آمدن سه نماینده مجلس به شوش و حضور گسترده

## اعتصاب هفته تپه،

### دستاوردهای تاکنونی و چشم انداز پیروزی ...



بیمه، بازگشت کارگران اخراجی به کار صورت گیرد، اینها اولاً حاصل استقامت و اعتراض کارگران است و ثانیاً هیچ تاجی بر سر مجلسی ها نمی گذارد. اینها حق ندارند تحت عنوان "بررسی مسائل کارگران" و تحقق دو سه خواست بدیهی مانور بدهند و سر کارگران منت بگذارند. تا امروز دولت و مجموعه حاکمیت و مقامات استان خوزستان علیه کارگران و کنار کارفرماها ایستاده اند. اسماعیل بخشی و مجد خنیفر و دیگر کارگران اخراجی بجز خواستهای برحق کارگران چیزی نگفته بودند که با پرونده سازی و امنیتی کردن اعتراض و اعتصاب آنها را زندانی و اخراج کردند. نپرداختن حقوق ها، عدم تمدید دفترچه های بیمه، محکوم کردن کارگران و خانواده هایشان به گرسنگی و بیماری و بیکاری و حمایت از کارفرمای فاسد و اختلاسگر، اقدامی ضد کارگری و آگاهانه بوده است. همه دست شان در یک کاسه بوده و یک به یک در گرفتن رشوه سهیم بوده اند. اینها اعمال جنایتکارانه در حق کودکان و خانواده های کارگری است که باید مسبب آن خسارت می پرداختند. بازگشت به کار کارگران اخراجی، پرداخت تمام و کمال حقوق هایشان، عنبرخواهی از کارگران بدلیل اذیت و آزار و تعهد به عدم تکرار چنین اقداماتی، جزو وظایف آنهاست. اینها بارها وعده دادند و زیرش زدند، پرداخت برخی از مطالبات معوق کارگران بعد از قریب دو ماه اعتصاب وظیفه و تعهدی است که تاکنون مرتباً آنرا نقض کرده اند.

#### دستاوردهای اعتصاب و افق پیروزی

قریب دو ماه اعتصاب دوره اخیر با انواع تهدید و تحریک و توطئه همراه بود و هر قدم اینها با اتحاد کارگران شکست خورد. کارگران توانستند با اتکا به مجمع عمومی و خرد جمعی مانع انشقاق شوند، وحدت کارگری را حفظ و تقویت کنند، بخشهای وسیع تری را به اعتصاب بکشانند، حمایت کارگری و مردمی را در سطح کشور و خوزستان و شهر شوش جلب کنند، سنتهای رادیکال مبارزاتی را در جنبش کارگری بیش از پیش جابجایند، با استقامت و تداوم اعتصاب سکوت حکومتی ها را بشکنند، شورای اسلامی مزدور کارفرما و اداره کار را به حاشیه برانند، نمایندگان خود را تحمیل کنند، برای ایجاد شورای کارخانه قدم بردارند، وادارشان کنند که مطالبات معوق اعم از حقوق و بیمه و مزایا را برسمیت بشناسند و دستکم در حد وعده تاکنونی تحمیل و متحقق کنند. به این معنا اعتصاب هفت تپه پیروزی های معین و مهمی بدست آورده است. اعتراض و اعتصاب در دفاع از نمایندگان کارگران در دور قبل موجب شد که کارگران زندانی را آزاد کنند و اکنون بپذیرند که به کار بازگردند. اگر مجدداً زیر اینها بزنند، کل هفت تپه و شهر شوش و حومه را علیه خودشان بسیج میکنند. همینطور شروع اعتصابات کارگری در صنایع مهم نفت و گاز و پتروشیمی نیروی جدیدی به اعتصاب هفت تپه و حقانیت آن داده است. هفت تپه راه نشان داد.

کارگران هشیارند و اهداف مانورهای حکومتی را می شناسند. به کارفرمای جدید بخش خصوصی تن نمی دهند و چنانچه روی این مسئله یعنی آوردن کارفرمای جدیدی اصرار کنند، اعتصاب و تعرض کارگران در اشکال کیفی تر و جدیدتری ادامه خواهد داشت. کارگران موفق شدند که با اعتراض مستقل و فشار مبارزه بخشی از حقوق هایشان را کسب کنند، از اسدیگی خلع ید کنند، اما نکته کانونی اعتصاب یعنی سرنوشت آتی شرکت و مسئله خصوصی یا دولتی شدن با نظارت کارگران، هنوز کشمکش است که ادامه دارد. پایان این اعتصاب معین در گرو حل شدن این مسئله اساسی است.

#### تعیین تکلیف آینده شرکت

مهمترین خواست کارگران رفتن اسدیگی و تیم مدیرانش، الغای خصوصی سازی در هفت تپه و دولتی شدن شرکت با نظارت کامل کارگران است. در این مورد معین جلسه تهران در ۱۵ مرداد نه فقط سکوت کرده بلکه تلاش دارد همین مسیر تاکنونی را برود. اسدیگی را برمیدارند و اسدیگی دیگری از جناح مقابل یا سپاه می آورند، یعنی همین داستان ادامه دارد. کارگران یکبار در هفت تپه شرکتهای پیمانی را بیرون کردند اما اسدیگی و مدیرانش با اجاره دادن و فروش اموال محتوای همین سیاستها را پیش برده اند. کارفرمای خصوصی جدید مجدداً با تغییر کاربری شرکت، با تعدیل نیروها، سیاستهای تاکنونی را ادامه خواهد داد. آنچه که در جزئیات گفته شده، از جمله سپردن مسئله

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا

برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا

کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

## اعتصاب همزمان کارگران نفت و پتروشیمی ها

امروز شنبه ۱۱ مرداد، اعتصاب کارگران نفت در چند بخش شروع شد. کارگران و کارکنان پالایشگاه آبادان و کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ها و شرایط اسفبار بهداشتی و سرویس ها دست به اعتصاب زدند. روز پنجشنبه ۹ مرداد نیز کارگران شرکت نفت هویزه برای افزایش دستمزد و مزایا و بهبود قراردادها دست به اعتصاب زدند.

امروز شنبه ۱۱ مرداد، کارگران پالایشگاه گاز پارسیان سپهر لامرد و کارگران پتروشیمی لامرد استان فارس دست به اعتصاب زدند. خواسته های این اعتصاب عدم پرداخت حقوق ها، اعتراض به عملکرد شرکتهای پیمانی، روشن شدن وضعیت قراردادها و استخدام هست. امروز همینطور کارگران و کارکنان پالایشگاه گاز و پتروشیمی فازهای ۲۲ و ۲۴ پارس جنوبی، کنگان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ها دست به اعتصاب زدند. اعتصاب همزمان و گسترده کارکنان و کارگران پالایشگاه آبادان و کارگران و کارکنان پالایشگاه پارسیان و پتروشیمی لامرد از ساعات اول صبح امروز شروع شد. در این اعتصابات کارگران شرکت آذران گستر و شرکت آویژه صنعت در پالایشگاه نفت سنگین قشم، شرکت آی.جی.سی در پالایشگاه آبادان، شرکت اکسیر صنعت در فاز ۱۳ در اسلکه تنبک، شرکت سینا صنعت در پتروشیمی پارس فنل، سیکل ترکیبی ارومیه، پتروشیمی سبلان، شرکت تناوب در فاز ۱۴، شرکت پتروهمگام ماهشهر، پتروشیمی بوعلی و پتروشیمی هنگام دست از کار کشیده اند.

لازم به تاکید است که در مجموعه نفت و گاز اعتراضات از شش الی هشت ماه پیش علیه "قراردادهای حجمی" و برای برچیدن یا اعمال محدودیت به شرکتهای پیمانی در جریان بوده است. کارگران نفت توماری امضا کردند، و طی آن نارضايتی و عصبانیت خود از انعقاد قراردادهای موسوم به حجمی بیان کردند. همینطور توماری چندین هزار نفره برای انعقاد قراردادهای رسمی در مجموعه شرکت نفت در جریان بود و زنگنه شخصا قول داده بود که به آن رسیدگی میکند. شرکتهای پیمانی مانند یک اختاپوس به جان کارگران افتادند. هر شرکتی ده تا بیست شرکت زیر مجموعه دارد، شرکتهای پیمانی در هر قسمت از زنجیره تولید، نیروی مورد نیازشان را با قواعد خود استخدام و کار شرکت اصلی را در آن بخش انجام می دهند. کارگران در اعتراضات شان تاکید داشتند که: "علیرغم تاکید صریح بر غیرقانونی بودن قراردادهای حجمی، باز هم در برخی پالایشگاهها و شرکتهای زیرمجموعه نفت، قراردادهای حجمی منعقد می شود و این برخلاف صورتجلسه مورخ هشتم مرداد ۱۳۹۸ کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی است". شروع این اعتراضات در اواخر سال قبل به دلیل اخباری که حاکی از آن بود که برخی پالایشگاهها و شرکتهای زیرمجموعه نفت، قصد دارند پیمان جدید تعمیرات و اورهال خود را به صورت حجمی منعقد کنند آغاز شد. در این قراردادها دستمزد کارگران با ماهها تاخیر پرداخت و به سایر حقوق و مزایای کارگران نیز بی توجهی می شود.



شرکتهای پیمانی دوقلوی روند خصوصی سازی در ایران هستند که هدف آن بجز اختلاس و بالا کشیدن اموال کارگران، پایین آوردن سطح دستمزدها، ایجاد رقابت میان کارگران، از میان برداشتن امنیت شغلی، انعقاد قراردادهای برده وار، قطع بیشتر مزایا و بن ها، رفع مسئولیت از شرکت اصلی و اینجا شرکت نفت و گاز و پتروشیمی ها در قبال اخراج و ندادن دستمزد کارگران، ایجاد تفرقه میان کارگران، بازی کردن با پرداخت و عدم پرداخت دستمزدها و مشکل کردن اعتراض جمعی کارگران است. کارگران خواهان شرایط استخدام یکسان، تحت یک شرکت مشخص و با دستمزد و مزایای بدون تفسیر، امنیت شغلی و جلوگیری از سوءاستفاده شرکتهای پیمانی هستند. کارگران می گویند شرکتهای پیمانی باید برچیده شوند و شرکتهای اصلی کلیه تعهدات مربوط به کار و شرایط کار و استخدام را تقبل کنند. کارگران زیر مجموعه وزارت نفت و پتروشیمی ها و بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران خواهان برچیدن قراردادهای موقت و شرکتهای پیمانی هستند. اعتصاب روز پنجشنبه کارگران شرکت نفت هویزه برای افزایش دستمزد و مزایا و اعتصاب امروز کارگران پالایشگاه آبادان و کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم برای عدم پرداخت حقوقها، ادامه این اعتراضات است. یک مسئله اساسی کارگران قراردادهای موقت است. بیشتر کارگران نفت با سابقه بیش از هشت سال کار هنوز قرارداد موقت دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست به اعتصاب و اعتراض همزمان کارگران بخشهای مهم صنعتی کشور درود میفرستد و با اشتیاق به استقبال مبارزه گسترده کارگری علیه وضع موجود می رود. اعتراض کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها آغازی جدید برای اعتصابات کارگری نفس گیر علیه فقر و فلاکت و بیکاری است. این نبرد بر سر معیشت و امنیت شغلی، نفی شرکتهای پیمانی و قراردادهای برده وار آغاز شده است اما میتواند و باید به نفی سلطه سرمایه پایان دهد.

کلیدی ترین مسئله در این اعتراضات سازمانیابی کارگری است. بیش از پیش به مجمع عمومی متکی شوید و ابزارهای اعمال قدرت توده ای را ایجاد کنید. سنت شورائی کارگری در صنعت نفت و گاز ریشه دارد و در بحران کنونی و مبارزه جاری میتواند نقطه اتکالی برای تامین وحدت طبقاتی و پیشروی مبارزه کارگران باشد. از اعتصاب و اعتراض شکوهمند کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها حمایت کنیم!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۱ مرداد ۱۳۹۹ - ۱ اوت ۲۰۲۰

## زنده باد اعتصاب، مدرسه انقلاب!

### اعتصاب کارگران مراکز صنعتی گسترش می یابد!

امروز سه شنبه ۱۴ مرداد، اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ادامه دارد و اعتصاب به پالایشگاه ها و مراکز کارگری دیگر گسترش یافته است. کارگران پالایشگاه های قشم، آبادان، جفیر اهواز، پارس جنوبی (کنگان)، پالایشگاه های پارس جنوبی در فازهای ۱۴ و ۲۲ و ۲۴، پالایشگاه ماهشهر، پالایشگاه های پارسیان و سپهر لامرد استان فارس، پالایشگاه اصفهان، کارگران پتروپالایش منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی، پتروشیمی عسلویه، از صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در اعتصاب شرکت کردند. همینطور کارگران نیروگاه برق پارس جنوبی بیدخون به اعتصاب پیوستند و کارگران هلدینگ هپکو، کارگران اتوبوسرانی ارومیه و کارگران آسفالت طوس دشت مغان امروز نیز در اعتصاب بودند. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه نیز ۵۱ روز است که ادامه دارد. خواستهای این اعتصابات بخشا برای اضافه دستمزد و بهبود شرایط کار و بخشا در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ها، اعتراض به توحش لجام گسیخته شرکت های پیمانی و قراردادهای موقت و برای تامین امنیت شغلی است.

لازم به تاکید است که در مجموعه نفت و گاز از هشت الی ده ماه پیش تحرکی علیه شرایط استخدام و نوع قراردادهای با خواست انعقاد قرارداد رسمی با مزایای مربوطه در جریان بوده است. کارگران در مراکز مختلف یک خواست مشترک و کلیدی دارند و آن برچیدن شرکت های پیمانی و قراردادهای موقت، وادار کردن شرکت های مادر به قبول شرایط استخدام یکسان و بهره برداری از مزایا و حقوق متناسب با قراردادهای دستجمعی توسط تشکلهای کارگری مستقل از دولت است. یک مسئله قدیمی تر در صنعت نفت و گاز وجود کار قراردادی کارگران با سابقه شش الی نه سال کار است که این موضوع در پتروشیمی ها و مناطق آزاد و ویژه اقتصادی وخیم تر است و عملاً یک بردگی تمام عیار و ناامنی شغلی و حقوق پائین را به کارگران تحمیل کرده است.

ورود کارگران صنایع کلیدی و مهم ایران به اعتصاب همزمان تحول بسیار مهم در سیر اوضاع سیاسی و یک جامعه بحرانزده با مشکلات متعدد است. نفس اعتصاب و اعتراض این بخشهای کارگری مستقل از اینکه چه مطالبه ای دارند، بر فضای سیاسی جامعه و تغییر سیر آن به نفع تحریک انقلابی و کارگری تاثیر جدی دارد. متکی شدن کارگران به مجمع عمومی و حرکت همگام و همزمان در سطح رشته های کارگری، آن تاکتیک واقعی و منطبق با اوضاع است که از دریچه خواست و درد مشترک، امکان حضور سیاسی کارگر و اعتصاب های گسترده را در جایی که سازمان کارگری ممنوع است، عملی کرده است. این نبرد برسر دستمزد و قرارداد و امنیت شغلی، برسر نفی شرکت های پیمانی و قراردادهای برده وار است اما میتواند و باید بسرعت به حرکتی عمومی تر میان کارگران و یک جبهه مبارزه با دولت و کارفرمایان روی همین خواستها تبدیل شود. این خواستها از شرایط عمومی تر طبقه کارگر در ایران ناشی می شوند و موضوعی سراسری تر در مقیاس صنایع مختلف و مراکز کار است که در شرایط بحران اقتصادی و بیکارسازیها



تبعات گسترده و منفی بر کار و زندگی کارگران گذاشته است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست روی همین خواستهای محوری و گسترش اعتصاب در سطح صنایع مشابه و رشته ای تاکید دارد. در شرایط کنونی متکی شدن بیشتر به مجمع عمومی و دخالت توده کارگران در امر و منفعت مشترک راه پیشروی و تقویت وحدت طبقاتی را هموار میکند. این اعتصابات مقدمه ای بر اعتصابات گسترده و قد علم کردن کارگر در صحنه سیاست بعنوان یک جنبش مهم و پر سر و صدا و قدرتمند است که کل صحنه سیاست ایران را زیر و رو میکند. کارگران در این نبرد چیزی جز زنجیر هایشان برای از دست دادن ندارند! زنده باد اعتصاب، مدرسه انقلاب!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۴ مرداد ۱۳۹۹ - ۴ اوت ۲۰۲۰

## بار آوری کار و بیکاری

**بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هرچه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفا کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساسا به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.**

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

## در یک نگاه

## جایگاه زنجیره اعتصابات درخشان نفت و مراکز کلیدی کارگری

رحمان حسین زاده



ناهنجاریهای کنونی، به آلترناتیوی متضمن آزادی و برابری و رفاه چشم دوخته اند. این باور که طبقه کارگر و آلترناتیو کارگری ظرفیت و توانایی ساختن آینده ای به دور از حاکمیت سرمایه و استثمار و تبعیض و نابرابری و تحقق سعادت و رفاه همگانی برای شهروندان را دارد، بیش از پیش توجه جنبشهای اعتراضی رادیکال و محرومان جامعه را به خود جلب کرده است. این نقطه عطف مهمی در مسیر تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع آزادی و برابری و حکومت کارگری و رهایی قطعی کل جامعه از مشقات نظم وارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی است."

زنجیره اعتصابات درخشان همزمان و همگام مراکز کلیدی کارگری جامعه را به این چشم انداز امیدوارتر کرده است.

\*\*\*



یازدهم مرداد ۱۳۹۹ در لیست روزهای تاریخی جنبش کارگری ایران ثبت شد. اکنون و به ویژه در آینده به عنوان روز آغازگر زنجیره اعتصابات همزمان و همگام مراکز کلیدی کارگری، چون نفت و پتروشیمی و دیگر مراکز صنعتی، به عنوان روز وقوع نقطه عطف درخشان در جنبش کارگری از آن یاد میشود. عاقبت توقع به میدان آمدن موتور محرکه جنبش کارگری، یعنی کارگران مراکز صنعتی به صحنه عمل کشانده شد. هر ناظر آگاه میدانند این تحول بزرگ تا همین الان چه توان بالایی به جنبش کارگری ایران بخشیده است. اگر مراکز کلیدی کارگری نقش تعیین کننده در تولید و سوخت و ساز و سر پا نگه داشتن جامعه دارند، بگذار در مبارزه و سیاست و تعیین مقدرات جامعه هم نقش دگرگون کننده خود را ایفا کنند. اکنون بیش از پیش نگاهها بر عزم و اراده و پتانسیل جنبش کارگری برای عقب راندن موثر سرمایه داران و جمهوری اسلامی متمرکز شده است. بخشهای مختلف جنبش کارگری و آزادیخواهانه در سراسر کشور قوت قلب جدیدی گرفته اند. تردیدی نیست اعتصاب شورانگیز نزدیک به دو ماهه نیشکر هفت تپه اکنون با انرژی بیشتری به نبرد خود ادامه میدهد. هفت تپه ایهای الهام بخش مبارزات کارگری این دوره، اکنون در کنار خود موثرترین همقطاران طبقاتی را می بینند. روند همبستگی مبارزاتی بخشهای مختلف جنبش کارگری، از حالت صرفاً فراخوانی به عرصه تجربه عملی وارد شده است. چشم انداز گسترش اعتراض و اعتصابات کارگری در سراسر کشور به کابوس سرمایه داران و سران جمهوری اسلامی و قطب نمای امید بخش جنبش کارگری و آزادیخواهانه جامعه ایران تبدیل شده است. اعتصاب در پالایشگاههای متعدد چند استان کشور یاد آور نقش محوری "کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما" در سال ۱۳۵۷ در شکستن کمر رژیم سرمایه سلطنتی است. اکنون نوبت شکسته شدن کمر رژیم سرمایه اسلامی به دست توانای کارگران نفت و پتروشیمی ها و دیگر مراکز صنعتی و کل جنبش کارگری بسیار نیرومندتر، خودآگاهتر و با تجربه تر از همه دوران حیات و مبارزات یک قرن اخیر است. دوره عرض اندام طبقه کارگر برای "اداره شورایی" جامعه و تضمین آزادی، برابری، رفاه همگانی رسیده است. این چشم انداز شوق انگیز رسالت طبقه کارگر در صدر تحولات سیاسی و مبارزاتی عمیقاً ضد کاپیتالیستی جاری در جامعه ایران و در راس مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. نه ماه قبل در کنگره نهم حزب حکمتیست با تشخیص بسیار دقیق از کاراکتر و پتانسیل جنبش کارگری به درست پافشاری کردیم که:

"بیش از هر دوره ای در تاریخ سیاسی ایران، امید و نگاهها به نقش رهایی بخش طبقه کارگر و جنبش کارگری برای نجات جامعه از مصائب فاجعه بار حاکمیت کاپیتالیستی و جمهوری اسلامی دوخته شده است. مردم جان به لب رسیده جامعه ایران در نبردی بی امان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آینده ای به دور از ستم و رنج و



## سکوت در مقابل ناسیونالیسم

### پیرامون مصاحبه دبیر اول کومه له با رادیو دیالوگ

همایون گدازگر

به مصاحبه دبیر اول کومه له با رادیو دیالوگ از جنبه های متعددی می شود پرداخت. حدود دوساعت گفتگوی ابراهیم علیزاده دبیر اول کومه له با رادیو دیالوگ، کوچکترین اشاره ای به ناسیونالیسم کرد و نقش و دور آن در کردستان ایران را در برنداشت. در این مصاحبه به بیشتر مسایل جهان امروز پرداخته شد، اما دبیر اول کومه له از کنار مسئله مهمی که از تمام آن مباحث مربوط تر به موضوع کار خود و حزبش بود طفره رفت. علیرغم سوال مصاحبه کننده در مورد کردستان ایران و احزاب آن ابراهیم علیزاده ترجیح داد مفصل در مورد دیگران، از سوریه و عراق و ترکیه تا مسئله فلسطین و سیاست ابرقدرتها در منطقه تحلیل و ارزیابی کند اما یک کلمه در مورد احزاب ناسیونالیست کرد و نقش و جایگاه آنها در کردستان بر زبان نیاورد.

به این مصاحبه از جنبه های مختلفی می شود برخورد کرد، بخصوص روایت دبیر اول کومه له از انشعابها در کومه له و اعلام این نکته غیر واقعی که در این انشعابها اختلاف سیاسی نقشی نداشته است! ایشان با این تاریخ سازی غیر واقعی سعی در همسان جلوه دادن و شبیه سازی این انشعابها دارد تا با تکرار دوباره و بستن "هزیمت" به آنها در واقع از بیان اختلافات سیاسی در آنها طفره برود و عملا جریانات راست و ناسیونالیست منشعب به اسم کومه له را تبرئه کند.

هم چنین برخورد ابراهیم علیزاده به مخالفین درون تشکیلاتی، زبان تحقیر و تهدید و ناچیز و کوچک جلوه دادن صف منتقدین درون کومه له است که در واقع انعکاس فشار و وزن بالای منتقدین را می رساند.

اما همانطور که اشاره شد هدف این نوشته کوتاه پرداختن فقط به یک نکته است که در گفتگو یاد شده غائب بود. سکوت در مورد ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران و احزاب آن. انگار در آنجا نهادی به اسم مرکز همکاری احزاب کردستان وجود ندارند! انگار دبیر اول کومه له از نقشه های آنها و برنامه سپاه ملی کردستان و راز و نیازشان برای جلوگیری از شورش و قیام مردم کردستان و خلع سلاح نیروهای نظامی جمهوری اسلامی توسط مردم خبر ندارد!

امروز دیگر همه بر اجتناب ناپذیری تحولات مهم سیاسی - اجتماعی در ایران و به تبع آن در کردستان هم واقفند. احزاب و جریانات سیاسی همه در تدارک آماده کردن خود از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی و حتی نظامی برای استقبال از این تحولات هستند. احزاب ناسیونالیست علیرغم شکاف و بهم ریختگی یکی از جریانات دخیل در این تحولات هستند که وجودشان مزاحم اصلی جنبش، احزاب و جریانات آزادیخواه و سوسیالیست در کردستان است. این احزاب و گرایش آنها پس از سرنگونی جمهوری اسلامی مانع اصلی در سیر پیشروی چپ و حاکمیت توده ای در کردستان هستند و دبیر اول کومه له کسی نیست که

از این واقعیات بی خبر باشد. ادعای کمونیست بودن و دفاع از سوسیالیسم به چه درد می خورد وقتی شما در خانه خود علیه این موانع و جریانات بورژوازی بغل دست ساکت هستید؟ دفاع ابراهیم علیزاده از سوسیالیسم و کمونیسم را چه کسی می تواند باور داشته باشد وقتی خود او در یک گفتگوی دراز و طولانی در مورد زمین و زمان حرف دارد، اما به ملزومات و موانع پیشروی آن در

کردستان ایران نمی پردازد؟ برنامه احزاب جنبش ناسیونالیست در کردستان رسیدن به قدرت بهر قیمتی است. این جنبش امروز موقعیت بهتری از دوره انقلاب ۵۷ در کردستان دارد. وسوسه قدرت بخصوص پس از به قدرت رسیدن احزاب هم طبقه ای آنها در کردستان عراق آنها را چنان به تکاپو انداخته است که حاضرند به هر جک و جانوری برای این هدف آویزان شوند. روزی دنبال عربستان و شیوخ مرتجع منطقه، و زمانی در بدر دنبال مامورین وزارت خارجه آمریکا و یا جریانات راست و پرو غرب ایرانی و بالاخره زد و بند مستقیم با جمهوری اسلامی کسب و کار آنها شده است. برای رسیدن به این هدف حاضرند به خدمت هر نیرو و قدرتی درآیند و جامعه را با خطر مواجه کنند. از شیوخ مرتجع منطقه تا آمریکا و همچنین جمهوری اسلامی می تواند آنها را علیه انقلاب و آزادیخواهی در جامعه بکارگیرند.

دبیر اول کومه له این واقعیات را در مورد این احزاب می داند و پرداختن به آنرا فراموش نکرده است. سکوت او نشانه اظهار تعلق او به آنهاست. واقعیت این است که فکر می کند در روند تحولات پیش رو شانس آنها برای رسیدن به قدرت بیشتر است. اصلا "اجتماعی بودن و نفوذ کلام" آنها بیشتر برای او معیار است تا سیاست و اهدافشان. بهمین دلیل است همکاری جدی و اجتماعی با احزاب چپ و کمونیست همانطور که در مصاحبه اش به آن اشاره می کند برای او بی اهمیت است. در حالیکه اگر فشار همین چپ درونی برداشته شود برای هر نزدیکی و همکاری با احزاب ناسیونالیست همیشه آماده است. کومه له و دبیر اول آن فکر می کنند اگر با احزاب چپ و کمونیست همکاری جدی داشته باشند در نزد این احزاب منزوی می شوند. با اینحال باید جواب تناقض گویی های خود را که دفاع از چپ و کمونیست در گفتار و سکوت و تأیید راست در کردار است خودشان بدهند.

نیروی چپ و عدالتخواه در کردستان علیرغم لطماتی که بر آن وارد آمده است، هنوز صاحب حرف و چهره و نفوذ اجتماعی است. این جریان منتظر تناقض کومه له و سکوت آن در مقابل ناسیونالیسم کرد نخواهد ماند و در روند تحولات اجتماعی پیش رو به قطب مهم و غیر قابل حذفی تبدیل خواهد شد. اولین کار این صف چپ و آزادیخواه در شرایط انقلابی عبور از جریاناتی است که به اسم چپ در مقابل پیشروی آن بایستند. در اوضاع سیاسی پر التهاب کنونی جامعه، سکوت کومه له در مقابل احزاب ناسیونالیست، می تواند به منزوی شدن او در جبهه آزادیخواهی و عدالت طلبی در کردستان بیانجامد.



## کمدی "یافتیم! یافتیم!"

### منصور حکمت و مجازات اعدام

آذر ماجدی



پیش از اینهم طرفداران ناسیونالیست و پوپولیست کومه له کوشیده بودند با اتکاء به این نوشته منصور حکمت را مدافع اعدام جلوه دهند. جوابشان را گرفتند و خاموش شدند. ناگفته نماند که تمام این کشفیات پس از مرگ منصور حکمت انجام گرفته است. وقتی خودش زنده بود جرئت نمی کردند این کشفیات را علنی کنند! سالها پیش سیاوش دانشور پاسخ

چنین ادعایی را از جانب یکی از فعالین سابق حزب کمونیست ایران داد و چند سال پیش در کنفرانسی در مورد اعدام در شهر کلن آلمان مهرداد درویش پور چنین ادعایی کرد که به او پاسخ دادم.

اخیرا بدنبال موج وسیع مخالفت با اعدام، این ادعا دوباره از جانب برخی مطرح شده است. مقاله ای که بتاریخ فروردین ۱۳۶۳ منتشر شده و در آن منصور حکمت از حق کومه له برای تشکیل دادگاه و محاکمه مزدوران رژیم اسلامی که به اسارت و کشتار مخالفین و کمونیست ها دست زده اند، دفاع کرده را سندی بر موافقت منصور حکمت با مجازات اعدام خوانده اند. "یافتیم! یافتیم شان!" به همین پوچی است.

در این نوشته منصور حکمت یک کلام درباره اعدام سخن نگفته است. یک اشاره نیز به اعدام نکرده است. او در پاسخ به اعتراض تند بیژن حکمت به محاکمه مزدوران رژیم توسط کومه له این مطلب را نوشته است. بیژن حکمت یک ملی - اسلامی پرو رژیم بوده و هست که یک کلام در مذمت اعدام کمونیست ها و مخالفین از سی خرداد ۶۰ تا آذرماه ۶۲ که این سخنرانی را در جلسه ای در پاریس ایراد کرده، ننوشته است. این فرد پرو رژیمی تحت نام دفاع از حقوق بشر (بخوان حقوق بشر بورژوازی) حق کومه له برای محاکمه مزدوران رژیم را به زیر سوال برده است. منصور حکمت لطف کرده او را لیبرال خوانده است.

منصور حکمت در این نوشته درباره طبقاتی بودن قوانین و محاکمات در جامعه طبقاتی سخن می گوید. از حق طبقه کارگر برای محاکمه قاتلین و سرکوبگران خویش دفاع می کند. به این آقای محترم پرو رژیمی یادآور می شود که قوانین در جامعه طبقاتی، طبقاتی اند.

چگونه تحلیلگران و مفسران "بیطرف" ما از این نوشته دفاع منصور حکمت از اعدام را استخراج کرده اند؟ ظاهرا به "منویات" منصور حکمت رجوع کرده اند. فکر کرده اند که بسیار باهوش و خردمند هستند و باصطلاح دو دو تا چهار تا کرده اند! کومه له برخی از مجرمین را طی این سالها اعدام کرده است، پس با دفاع از حق کومه له برای محاکمه مزدوران جمهوری اسلامی که به خانه و زندگی مردم هجوم برده اند، کمونیست ها و مخالفین را دستگیر یا ترور کرده اند، منصور حکمت می باید مدافع اعدام بوده باشد! اوج منطق و خرد!

این ترفند نمی گیرد. این مطلب را در مقابل هر دادگاه، هر قاضی و هر تحلیلگر مدرن و منصفی قرار دهید، به شما خواهد خندید. اما متأسفانه در میان سیاسیون ایرانی هر کاری، هر دروغی، هر افتراپی، دادن هر حکمی گویی مجاز است. اگر یک مورخ در اسناد اپوزیسیون سیاسی و جنبش کمونیستی ایران غور کند، به شما خواهد گفت که منصور حکمت اولین لیبر سیاسی و تنوریسین سیاسی است که لغو

موج جنبش اعتراضی علیه اعدام نام منصور حکمت را به وسط جدال های سیاسی جریانات ضد کمونیستی و ضد حکمت کشانده است. چرا؟ چون حزب کمونیست کارگری وقت اولین حزب و جریان سیاسی در ایران است که لغو حکم اعدام را در برنامه خود طرح کرده است؛ و لذا جنبش علیه اعدام در ایران به پای این جنبش و منصور حکمت نوشته می شود. این برنامه ۲۶ سال پیش در کنگره اول حزب به اتفاق آراء به تصویب رسید. منصور حکمت نویسنده این برنامه است. مبانی، اصول و مطالبات این برنامه توسط او طرح و فرموله شده است. پروسه نگارش این برنامه مدتی پیش از تصویب آغاز و ایده برنامه یک دنیای بهتر با تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران در بیست و نه سال پیش طرح شد.

اکنون جریانات راست و ضد کمونیستی یا ضد حکمت به کنکاش در گذشته منصور حکمت مشغول شده اند؛ دنبال سر نخ، کلمه ای، عبارتی، ایماء و اشاره ای از او می گردند، که سرمست فریاد زنند: "یافتیم! یافتیم!" منصور حکمت در فلان تاریخ، در فلان نوشته، در فلان جلسه از اعدام دفاع کرده است! جل الخالق! حتی اگر فرض کنیم چنین سندی موجود است، که نیست، هنوز ذره ای از انسان دوستی، مدرنیسم و ترفیخواهی منصور حکمت که بعنوان اولین لیبر و تنوریسین سیاسی در ایران بطور رسمی علیه اعدام موضع گرفت؛ در برنامه حزب طرح کرد؛ و اعلام کرد که "اعدام قتل عمد دولتی است" کم نمی کند. (جمله ای که اکنون در سوسیال میدیا در گردش است، بعضا بدون اعلام نام نویسنده و گوینده این جمله)!

مضحک است. بخاطر دارم در یک میزگرد تلویزیونی با حضور فعالین سیاسی مختلف از راست و چپ شرکت داشتم. یکی از رهبران احزاب سلطنت طلب پس از اینکه من مواضع کمونیسم کارگری را برشمردم و به مساله طرح لغو مجازات اعدام اشاره کردم، بشکلی حق بجانب رو به من کرد و گفت شما در مقابل اعدام ژنرال های ارتش شاه توسط جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ اعتراض نکردید! او عملا با حق بجانبی خنده داری بر صندلی استیضاح ما کمونیست ها نشست. در ادامه گفت ما که نمی توانستیم اعتراض کنیم چون باید در صد سوراخ قایم می شدیم ولی شما آزاد بودید! رهبر حزب مدافع دو رژیمی که هزاران نفر را شکنجه و اعدام کرده و به قتل رسانده اند؛ کمونیست ها را تیرباران کرده اند؛ در تپه های اوین رهایشان کرده و گلوله بارانشان کرده اند؛ از کمونیست ها طلبکار شده است. عجب دنیای وارونه ای است! رو هم خوب چیزی است!

هر چه بیشتر می گردند کمتر می یابند!

در جستجو برای سند "محکومیت" منصور حکمت به نوشته منصور حکمت "دادگاه های انقلابی کومه له و رنجش لیبرالها" آویزان شده اند.



غیر از این در بسیاری از کشورها تجاوز به کودکان دختر تحت عنوان ازدواج قانونی و رسمی است. یکی از دولتهای امضا کنندگان این قرارداد جمهوری اسلامی است که ازدواج کودکان را رسمی و قانونی نموده است. میلیون ها کودک در کشورهای مختلف کودک خیابان و خیابان خوابند و در همانجا هم مورد تعرض و انواع سواستفاده قرار

میگیرند و از همان کودکی گرفتار اعتیاد و بیماریهای مختلف میشوند و یا به دام گروههای مافیای می افتند. کارگاه های کوچک و بزرگ قالیبافی و تولیدی لباس یک صنعت پر سود برای دست درازی صاحبان سرمایه و دلالان به کودکان است. نظر به فقدان سیستم آمار و شفاف بودن اطلاعات، دستیابی به آمار اکودکانی که در کارهای سنتی مانند کار در خانه، نگهداری از کودکان، قالی بافی، کشاورزی و آجرپزی کار میکنند عملاً ناممکن است.

این مختصر نشان میدهد که چه فاجعه ای عظیمی در مقابل چشم بشریت امروز در جریان است. دلیل اصلی این وضعیت فقر و بی حقوقی ای است که نظام سرمایه داری بانی اصلی آنست که از کار کودک بعنوان کارگر ارزان و برده در کنار بردگی عمومی تر طبقه کارگر استفاده میکند تا بتواند مجموعاً به کارگران شرایط کار بدتر و دستمزدهای پائین تری را تحمیل کند و حاصل کار و زحمت آنها را با بیشترین سود به جیب بزند. وضعیت فاجعه بار کودکان عملاً آنها را از یک رشد جسمی و روحی باز میدارد. تقریباً درصد بالایی از این کودکان از آموزش بی بهره اند. ساعاتی کار طولانی و سخت و محیط خطرناک، تحقیر جسمی و روانی آنها را برای همیشه دچار صدمات بسیار جدی می نماید.

مصوبه ی سازمان ملل در شرایط بحران سرمایه داری کنونی فقط اعتراف به یک فاجعه ای است که وجود دارد. اعتراف به لکه ننگی که با گسترش و نفوذ سرمایه داری و گسترش بیسابقه فقر ابعاد بسیار وحشتناکی به خود گرفته است. اینکه اجرای مفاد این سند چقدر در عمل ممکن است برهمگان و از جمله امضا کنندگان آن روشن است. کار کودکان محصول سرمایه داری و سیستم بهره کشی عربیان موجود است. امضا کنندگان این سند خود پاسداران و دولتهای حافظ سرمایه داران هستند. این ژست ها در صورت ظاهر خوب است اما در عمل هیچ فایده ای ندارد. مانند تلاشهای هر ساله برای مقابله با خشونت علیه زنان که حاصلی جز از زیاد و خشونت نداشته است. برای بهبود اوضاع کودکان باید قاطعانه تلاش کرد اما پایان دادن این وضعیت فقط درگرو نابودی نظم کنونی است. قرارداد امضا شده سازمان ملل اگرچه قدمی میتواند باشد اما در اصل جوابی به اعتراض فزاینده ناشی از کار کودکان و سواستفاده از آنهاست و بلافاصله به بایگانی بسیاری از دولتهای مثل جمهوری اسلامی سپرده می شود.

تضمین حق سلامت و زندگی شاد و خلاق برای هر کودکی یک امر ابتدایی و وظیفه همه دولتها باید باشد. این تضمینی برای آینده ی جامعه و بشریت است. کودکان نه اختیار دارند و نه انتخاب. این دولتها هستند که وظیفه ایجاد استناداری واحد و تضمین حق برخورداری از سلامت

## تصویب قرارداد منع کار کودکان توسط

### سازمان ملل

#### پروین کابلی

روز ۴ آگوست ۲۰۲۰ سازمان ملل قرارداد منع کار کودکان را به تصویب رساند. این مصوبه نه تنها کار کودکان را منع نموده است بلکه در آن از سواستفاده جنسی از کودکان، کار اجباری و استفاده از کودکان در جنگها نام برده شده است. دولتهای عضو با اکثریت آرا این سند را امضا کرده اند.

کودکان از بی دفاع ترین گروه های جامعه ی بشری هستند. هر ساله بیش از دو میلیون کودک دختر زیر ۱۵ سال فرزندی دنیا می آورند. ۱۵۲ میلیون کودک کار در جهان وجود دارد که نیمی از این کودکان در سنین بین ۵ تا ۱۱ سال میباشند. از این تعداد کودک ۷۳ میلیون در کارگاه هایی مشغول بکارند که از آنها بعنوان محلهای خطرناک و غیر امن نام برده میشود و از این تعداد ۱۹ میلیون کودک کار را خطراتی تهدید میکند که آسیب های جسمی ناشی از این نوع کار تمام عمر همراهشان خواهد بود. همین تحقیق تخمین زده است که در کشورهایی که فقر و گرسنگی دامنگیر مردم شده است، ۲۹٪ درصد نیروی کار را کودکان تشکیل میدهند. کودکان بعنوان برده کار و خشونت و تجاوز جنسی در سکوت همه جا مورد سواستفاده قرار میگیرند. در میان کشورهایی که این قرارداد را امضا کرده اند درصد بسیاری از آنها کاملاً به بردگی کودکان واقفند و نه تنها هیچگونه قدمی برای رفع آن برنمیدارند بلکه در هنگام تحقیق در مورد کار کودکان عملاً موانعی جدی را بوجود می آورند.

با گسترش فقر در جهان آمار کار کودکان و سو استفاده جنسی از آنها گسترش می یابد. شرکت های تولیدی "برند" از کار کودکان برای تزئیناتی که اغلب دستهای بزرگسالان قادر به انجام آن نیستند استفاده میکنند. این کودکان همراه با بقیه افراد خانواده بصورت کنتراتی برده وار و گروهی در خانه هایشان از صبح زود تا پاسی از شب کار میکنند. اکثریت این کودکان همانطور که گفته شد زیر ۱۱ سال سن دارند. کارفرما برای هر مقدار کاری که تحویل میگیرد مزد پرداخت میکند. البته اگر کار انجام شده مورد قبول قرار گیرد. در این شکل قرارداد از بیمه های معمولی، مانند استراحت، ساعات کار، آسیب دیدگی هنگام کار و یا مریضی و مرخصی و بازنشستگی خبری نیست. چه تعدادی از خانواده ها در کشورهای فقیر مشغول چنین شکلی از کار برده وار هستند بر کسی معلوم نیست. بعنوان مثال در هندوستان و بنگلادش این بسیار وسیع است. تعداد زیاد از این کودکان به صاحبان کارخانه ها در مقابل بدی والدین فروخته میشوند. کودکان بسیاری مورد سواستفاده جنسی در محل کار قرار میگیرند و یا در اختیار شبکه های خرید و فروش سکس کودکان قرار داده میشوند و مورد تجاوز قرار میگیرند.

اعلامیه حزب حکمتیست

## خروش کارگران هفت تپه

### ۴۸ روز اعتصاب و مقاومت

امروز شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۹، کارگران هفت تپه ۴۸ مین روز اعتصاب شان را با تظاهرات و خروش گسترده مقابل فرمانداری برگزار کردند. امروز هیئتی سه نفره از مجلس اسلامی به شوش آمد و کارگران با شعار "مرگ بر اسد بیگ"، "خوزستان بیچاره مسئول خوب نداره"، "نه رستمی نه بیگی، شرکت بشه دولتی" به استقبال آنها رفتند. یکی از نمایندگان مجلس که برای "بررسی مشکلات کارگران" آمده بود بعد از ده دقیقه از گرمای شدید بی حال شد و برخی از کارگران مجبور شدند به وضعیت وی رسیدگی کنند.

بنا به قرار و پروتکل جلسه ۱۷ تیر وزارت تعاون تهران که نمایندگان وزارتخانه های دولتی و قوه قضائیه و کارفرما در آن حضور داشتند، دستجمعی "متعهد و موظف" شدند که حقوق معوق کارگران حداکثر تا دیروز ۱۰ مرداد پرداخت شود و همینطور تامین اجتماعی دفترچه های بیمه را تا آخر سال تمدید کنند. این قرارها و تعهدها مانند همیشه هیچ و پوچ شد. کارگران بشدت عصبانی اند و خواهان نقد شدن فوری مطالبات معوق، بازگشت به کار همکاران اخراجی و لغو و برچیدن بخش خصوصی در هفت تپه هستند. در این فاصله البته مرتباً تهدید کارگران، اجاره زمینها توسط تیم مدیران اسدیگی و خارج کردن اموال شرکت برای فروش ادامه داشته که تاکنون در دو مورد کارگران اجاره کنندگان را از شرکت بیرون کردند و در یکمورد از خروج اموال شرکت جلوگیری کردند.

اعتصاب هفت تپه ادامه مبارزه ای است که در سه سال گذشته در جریان بوده و خواهان تعیین تکلیف قطعی شرکت و بازگشت آن به دولت با نظارت کامل کارگران است. اعتصاب هفت تپه دریچه ای به بروز اعتراض انباشت شده و گسترده طبقه کارگر ایران علیه فقر و فلاکت اقتصادی و بیکاری و ناامنی شغلی است. آغاز اعتراضات کارگران نفت و پتروشیمی ها، اعتراض به شرکتهای پیمانی و مشکلاتی که این شرکتهای بعنوان یک بازوی باصطلاح خصوصی سازی برای موقعیت شغلی و حقوق کارگران در مراکز صنعتی ایران ایجاد کرده اند، بخش دیگری از تصویر این مبارزه وسیع و پتانسیل رشد سریع آنست.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به استقامت و مبارزه پیگیر کارگران هفت تپه در گرمای وحشتناک و وضعیت کرونائی و قرمز خوزستان درود می فرستد. هفت تپه اعتراض طبقه کارگر ایران را نمایندگی میکند. همبستگی ایجاد شده حول اعتصاب هفته تپه را باید قدر دانست و آگاهانه آنرا تقویت کرد. از اعتصاب هفت تپه با ابتکارات مختلف حمایت کنیم، تقویت همبستگی کارگری و برافراشتن پرچم اعتراض کارگری در اینروزها حیاتی است. بویژه کارگران در خوزستان و مردم شوش در این تلاش نقش مهمی دارند. زنده باد هفت تپه، درود بر رزم و اتحادتان!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۱ مرداد ۱۳۹۹ - ۱ اوت ۲۰۲۰

## کمدی "یافتیم! یافتیم!"

### منصور حکمت و مجازات اعدام ...

مجازات اعدام را طرح کرده و حزب کمونیست کارگری اولین حزب و جریان سیاسی است که این مطالبه را در برنامه اش گنجانده است.

آیا قبل از نگارش این برنامه یعنی حدود سی سال پیش منصور حکمت موافق مجازات اعدام بوده است؟ از آنچه در ذهن منصور حکمت می گذشته کسی خبر ندارد. قطعاً هیچکس هم مدعی نیست که منصور حکمت از زمان تولد با مجازات اعدام مخالف یا موافق بوده است. اما علاوه بر برنامه یک دنیای بهتر، رفقای که از نزدیک با او در حزب کمونیست ایران فعالیت کرده اند، منجمله خود من، می دانند که او به یک جدل و مبارزه فکری - سیاسی جدی در این حزب و در کومه له علیه مجازات اعدام دامن زد و بالاخره موفق شد که رسماً مجازات اعدام را در تشکیلات کومه له لغو کند. اما آیا این مساله ذره ای از حقانیت دفاع از دادگاه های انقلابی کومه له برای محاکمه مزدوران و قاتلین رژیم کم می کند؟ خیر.

اگر اکنون حتی اپوزیسیون راست طرفدار رژیم اعدام پهلوی از لغو مجازات اعدام سخن می گوید؛ اگر ستایش گران و طرفداران چه گوارا که خود شخصاً آن که را "خان" می نامید اعدام کرده است، از لغو مجازات اعدام حرف می زنند، به یمن مبارزه مارکسیستی آذیخواهانه و انسان گرایانه منصور حکمت، برنامه یک دنیای بهتر و فعالیت مستمر جنبش کمونیستی کارگری علیه اعدام است.

۳ اوت ۲۰۲۰

## تصویب قرارداد منع کار کودکان

### توسط سازمان ملل ...

کودکان، ایجاد امکانات رفاهی، خدمات آموزشی و بهداشتی برابر را دارند. ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۶ سال راه برای این سلامت و خلاقیت باز میکند و استفاده از سودجویی از کودکان را سد میکند. همه اینها همین الان و همین امروز امکانپذیر است اگر در همه جای این دنیای نابرابر پرچم برابری انسانها در اهتزاز باشد. سند منع کار کودک سازمان ملل این غده چرکین و سیاه را میخواد با چسپ روی زخم پانسمان معالجه کند. این غده فقط با انقلابی برای رهایی بشر قابل درمان است.

۶ اوت ۲۰۲۰

## جدال در خیابان با اپوزیسیون بورژوایی

جاوید حکیمی

هیچکس امروز با شعار مرگ بر شاه به خیابان نیامده و نمی آید چرا که شاهی در راس امور نیست. آن چپی که به جای شعار سرنگون باد جمهوری اسلامی، فریاد "مرگ بر خاندان پهلوی" سر داده باشد وجود خارجی ندارد و تنها زاده تخیل بیمارگونه پوپولیست هاست. پوپولیست ها این چپ موهوم و خیالی را اختراع کرده اند تا هم صفوف ناهمگون هواداران خود را حول نبرد مجازی با این دشمن فرضی متحد و مشغول نگه دارند و هم پیامی به متحدان راست آئین خود ارسال نمایند که ببینید ما کمونیستیم لیکن از جنسی دیگر، از جنس خودتان!

خطای متدولوژیک چپ ناسیونالیست این است که تصور می کنند بورژوازی نیز هرگز با شعار مرگ بر کمونیزم به خیابان نخواهد آمد. آنها برای تئوریزه کردن این تمایل و توهم خود، تاریخ را تحریف می کنند. اهمیت واقعه تظاهرات شاه الهی ها در هلند با شعار "مرگ بر کمونیزم"، دقیقاً در زدودن همین توهمات است. بورژوازی در اشکال سکولار-دمکرات - سلطنت طلب، هزار بار به پسر عموی اسلامی خود در قدرت نزدیکتر است تا کمونیست ها. فریاد "مرگ بر کمونیزم"، یک اتفاق نیست، هشدار است. هشدار بر بروز بیرونی یک قاعده. قاعده نبرد طبقاتی در تمام عرصه ها و در خیابان. تاریخ این را گواهی می دهد.

ایران طی یکصد و اندی سال اخیر کشور کودتا و انقلاب بوده است. دولت های مختلف از پی هم آمده و رفته اند و هر بار قدرت سیاسی صرفاً در دست های یک طبقه واحد جایجا شده است؛ طبقه مدافعان مالکیت خصوصی. ما کمونیست ها می خواهیم به این دور باطل و سیکل معیوب پایان دهیم. ما خواهان یک انقلاب کارگری هستیم نه هر انقلابی، آنچنانکه برای مثال کارگران هفت تپه خواستار لغو پروژه خصوصی سازی هستند نه جابجایی مالکان خصوصی. به این اعتبار سیاست پوپولیستی و تشکیل جبهه متحد سرنگونی، امر ما کمونیست ها نیست. ما بارها گفته ایم با بورژوازی در قدرت قاطعانه می جنگیم و اپوزیسیون بورژوایی را بدون تخفیف نقد می کنیم. ما ماشین بورژوازی در قدرت را درهم می شکنیم و چوب لای چرخ ماشین بورژوازی در اپوزیسیون می گذاریم. هدف ما ممانعت از سرنگونی غیر انقلابی و دست به دست شدن ساده قدرت میان جناح های مختلف طبقه استثمارگر است.

این امر ما را مقابل نئو-پوپولیست ها قرار می دهد. منادیان جدید آشتی طبقاتی اینطور تبلیغ می کنند که چپ و راست یا حداقل بخش خردمند این دو اردوی متخاصم می توانند ولو بطور موقت متحد یکدیگر باشند. پوپولیست کهنه جبهه واحد سرنگونی تشکیل می داد، پوپولیسم نو داعیه رهبری این جبهه واحد را دارد. پوپولیسم کهنه نه در خیابان و نه در خانه دوستان اولترا ارتجاعی خود را نقد نمی کرد، پوپولیسم نو، متحدین راست خود را در مقالات به مصاف می طلبد و در خیابان با او کشتی نمی گیرد. پیشفرض های پوپولیست های کهنه و نو همانند

هگلیان جوان و پیر مشابه است. آنها می خواهند از ایجاد تفرقه و انشقاق میان صفوف براندازان راست و سرنگونی طلبان انقلابی جلوگیری کنند حال آنکه این جدایی کاملاً واقعی و مستقل از اراده آنهاست. پوپولیسم کهنه اکنون و پس از قیام پنجاه و هفت آبرو باخته است و کمتر انسان باسرفی شهادت دارد خود را برای مثال با حزب توده و اکثریت تداعی کند.

پوپولیسم نو اما فالانژ و دریده است طوری که تمام منتقدین و مخالفین خود را همدست جمهوری اسلامی می شمارد ولو در میان صفوف تشکل خودشان باشند.

به توهم پوپولیست های نوین و سیاست پرهیز از جنگ در خیابان بازگردیم. سوال این است آیا کمونیست ها آغازگر جنگ در خیابان علیه اپوزیسیون راست هستند؟ آیا طبقات استثمارگر به شعار "همه با هم" تا سرنگونی استبداد علیه استبداد وفادار می مانند؟ آیا "مارکسیست ها وزوز می کنند" صرفاً یک اظهار نظر ساده و در چارچوب آزادی بیان است؟ آیا فریاد "مرگ بر کمونیزم" در هلند یک اتفاق نادر از سوی شعبان بی مخ هاست؟ و آیا برای مقابله با این شعبان بی مخ ها کافی است نزد اهل خرد در طبقات بالا شکوه کنیم و نزد توده ها در پایین مظلوم نمایی؟

راست این است طبقات استثمارگر آنجا که منافع مادی خود را در خطر ببینند به هیچ اصل و پرنسپیی، به هیچ قاعده و قانونی ولو مصوب خودشان هم پایبند نمی مانند. مقصود آنان از "بیباید متحد شویم" تنها سیاهی لشکر ساختن توده ها و خصوصاً چپ جامعه برای رسیدن به اهداف و مطامع حقیر خودشان است. دو نمونه تاریخی را به اختصار و صرفاً برای اثبات غیر واقعی و تسلیم طلبانه بودن سیاست "همه با همی" نقل می کنیم:

### نمونه نخست؛ جنگ دمکرات و کومله

می دانیم متعاقب یورش لشکریان جمهوری اسلامی به کردستان، کومله به لطف رهبران رادیکال و کمونیست با سازمان دادن مقاومت حماسی و خلق صحنه های شورانگیز، بسرعت به سازمانی توده ای با پایگاه اجتماعی وسیع مبدل گردید. و حزب دمکرات، که ظاهراً و دستکم در قلمرو مسئله ملی می باید بمثابه متحد کومله در این جنگ نابرابر با حکومت اسلامی شرکت می کرد، چه کرد؟ اول جلوی ستون رژیم افتاد و اسکورت آن شد و مشغول مذاکره و بند و بست شد، دوم وقتی کومله حاضر نشد این حزب ناسیونالیست و طرفدار خوانین و بورژوازی کرد را بعنوان "جریانی انقلابی" برسمیت بشناسد، به کومله حمله نظامی کرد. استدلال سران حزب دمکرات یا به عبارت دقیق تر بهانه آنها برای این حمله، تبلیغ مرام کمونیستی توسط رزمندگان کمونیست کومله بود. بورژوازی کرد توقع داشت کومله تنها در چارچوب اهداف و منافع تعریف شده آنها و زیر چتر سیاست آنها بجنکد و لاغیر. آنها می خواستند کمونیست ها در هئیت سیاهی لشکر و سربازان گمنام بورژوازی ظاهر شوند و نه در قامت یک حزب اصلی با اهداف مستقل طبقاتی و مدعی قدرت.

چنانکه ملاحظه می کنیم تبلیغ و ترویج سیاست کمونیستی و نقد مواضع سیاسی بورژوازی کرد در نشریات و مقالات کومله

## جدال در خیابان

### با اپوزیسیون بورژوایی ...

ترک کرده و در تدارک ترتیب دادن واقعه ملاسرا و انتقام گرفتن از متحدان کمونیست خود بود. چه شباهت غریبی است میان ادعای میرزا کوچک و استدلال دکتر قاسملو؟ و هر دو در زمان های متفاوت به یک پراتیک واحد علیه کمونیست ها می رسند. جنگ در خیابان و قتل عام کمونیست ها پیش از سرنگونی استبداد. از خمینی که پس از تسخیر قدرت فرمان جهاد علیه هر جنبنده معترضی را صادر کرد دیگر هیچ نمی گوئیم.

خلاصه می کنیم. اپوزیسیون پرولتری و بورژوایی از همان ابتدای راه و به اعتبار سیاستها و اهداف طبقاتی متفاوت با یکدیگر اختلاف جدی دارند. این اختلاف جدی بطور قطعی پس از سرنگونی و محتمل است پیش از آن به جدال خیابانی کشیده شود. این را کسی نمی داند. قدر مسلم کمونیست ها به استقبال جنگ خیابانی با اپوزیسیون پرورب نمی روند لیکن به هیچ عنوان از حق خود برای افشای اهداف و سیاستهای کل طبقه استثمارگر در یک جامعه متحول پاپس نمی کشند. شعبان بی مخ های آنتی کمونیست در هلند بدون شک پاسخ قاطع را از کمونیست ها و در همان خیابان خواهند گرفت آنچنانکه رضا پهلوی نیز جواب خزعبلاتش را در خصوص "وزوز کردن مارکسیست ها" دریافت کرد. کلوخ انداز را پادشاه سنگ است. هر درجه قطبی تر شدن جامعه گامی است در جهت روشنگری اذهان توده ها. بگذار ماهیت ضد کمونیستی و لاجرم ضد کارگری بورژوایی نزد همگان برملا گردد. قطبی شدن اردوی اپوزیسیون، مطلقا جبهه نبرد با حکومت اسلامی را تضعیف نمی کند. اینها تبلیغات عوامفریبانه جناح چپ بورژوایی است. بورژوایی و پرولتاریا هر یک به اقتضای منافع طبقاتی و با پراتیکی بکل متفاوت، در حال نبرد با حکومت اسلامی هستند. ما به صرف شعار "مرگ بر کمونیزم" سلطنت طلبان دست از مبارزه با حکومت نمی کشیم و ایضا آنها هم. ایده ال اپوزیسیون بورژوایی سیاهی لشکر ساختن از نیروهای چپ به نفع اهداف و مطامع خویش است. زهی خیال باطل. خبر بد برای آنها اینکه انقلاب آتی انقلابی کارگری است و رهبران آن کوله باری از تجارب انقلاب ۵۷ را دارند و اینبار ابدأ "همه با همی" موضوعیت ندارد. پوپولیزم چپ اینبار با هر چرخش به راست نه محبوب دلها که منفورتر و به چرخ زاپاس پوپولیزم راست و ضد کمونیست بدل می شود.

۶ اوت ۲۰۲۰



کمونیست از حد معینی که گذشت به تحمیل جنگ در خیابان از جانب حزب دمکرات منجر شد. چرا؟ به این دلیل ساده که مارکسیزم عبارت است از علم رهایی کارگر و نه مشتکی اصول انتزاعی خنثی و بی تاثیر. بورژوایی با آزادی بیان و عقاید اگر در محدوده تبلیغ خرافات و خزعبلات باشد مشکلی ندارد، لیکن محال است اجازه تبلیغ کمونیزم و حضور سیاسی آنرا بدهد آنقدر که احزاب مارکسیستی به قدرتی در جامعه تبدیل شوند. خوشبختانه این تعرض نظامی حزب دمکرات با آمادگی کامل کومله و پاسخ دندان شکن مواجه شد و آنها شکست سختی خوردند که هنوز ناسیونالیسم کرد دلش از آن خون است. بدین ترتیب زمینه برای تبلیغ و ترویج ایده های کمونیستی مهیاتر از گذشته گردید. آیا این نمونه، تحمیل جنگ در خیابان را به کمونیست ها اثبات نمی کند؟ آیا کمونیست ها با شعار "مرگ بر دمکرات" آغازگر این نبرد بودند یا حزب دمکرات با حمله برای نابودی کومله؟ و آیا این جنگ، جز با سیاست کمونیستی و پس زدن جنگ تحمیل شده در خیابان خاتمه می یافت؟

#### نمونه دوم، دولت سوسیالیستی شورایی در گیلان

یک مورد تاریخی قابل تامل دیگر تشکیل نخستین دولت سوسیالیستی شورایی در گیلان است. آنجا نیز ظاهرا چپ و راست اپوزیسیون، در اتحاد با یکدیگر علیه امپریالیسم انگلیس و نیروهای قزاق رضا خان می جنگیدند. حیدر عمواغلو تا آنجا با میرزا کوچک جنگلی کنار آمده بود که پول، اسلحه و حتی افراد تحت فرمان خود را در اختیار سردار جنگل قرار داده و ریاست او را به عنوان صدر کمیسر دولت شورایی با طیب خاطر پذیرفته بود. حالا گوش کنید به میزان وفاداری و پایبندی این سردار آزاده به اصل آزادی بیان و عقاید. میرزا در نامه به لنین چنین لب به شکوه می گشاید:

"من می دانم که در تمام ممالک آزاد، برنامه هر فرقه سیاسی، آزادانه، نشر و تبلیغ می شود ولی برنامه ای که در ایران پروپاگاندا می کنند علی رغم تمایلات مردم است و تنها تاثیرش جلوگیری از پیشرفت انقلاب و تقویت شدن افکار ضدانقلابی است."

این صاف و ساده یعنی آزادی بیان آری لیکن نشر عقاید کمونیستی ممنوع. آزادی در چارچوب اسلام. میرزا در ادامه، لحن ملتسمانه و گلابیه آمیز خود را به تهدید می آلاید و می نویسد:

"از تمام نقاط ایران علیه تبلیغات اشتراکی اعتراض شده و اظهار داشته اند که هیچ گونه مساعدتی به انقلاب نخواهند نمود مخصوصا اهالی گیلان که تا چندی پیش حاضر بودند خود را به آب و آتش بزنند، از عملیات اشخاص مزبور اظهار تنفر نموده و حتی حاضر شده اند به ضد انقلاب اقدام کنند."

میرزا زمانی این نامه را می نویسد که رشت را به قصد صومعه سرا

## آقای طبرزدی از کارگران بیاموزید!

سیاوش دانشور

آقای حشمت الله طبرزدی در گفتگویی با تلویزیون ایران اینترنشنال در باره اعتصاب کارگران صنایع نفت و پتروشیمی خوزستان و احکام اعدام پنج جوان معترض دیمه نود و شش اظهار کردند: "... رژیم نه فقط خواستهای کارگران را برآورده نمی کند بلکه نمک به زخم کارگران هم میزند، بسیاری از کارگران که در جنوب کار می کنند، بختیاری و لُردند و به آنها برخورد است...".

اینروزها و با گسترش بحران حکومتی جمهوری اسلامی بیشتر از هر زمانی باب شده است که جریانات مختلف اپوزیسیون ناسیونالیست و بورژوائی ایران، چه خود را بعنوان فعال سیاسی و چه بخشهای مختلف در جامعه را با هویت قومی و ملی معرفی میکنند. "کرد"، "لر"، "بختیاری"، "ترک"، "بلوچ" و ... بجای طبقه، منافع طبقاتی، کارگر، سرمایه دار، اهداف سیاسی و برنامه عمل سیاسی و مبارزاتی نشسته است. ظاهراً بدنیا آمدن من و شما در یک گوشه این کره خاکی و یک بیمارستان به این قشقرق ملی علی الاابد نیاز دارد. ظاهراً کلیه هویتهای کاذب، تاریخی، دست ساز، موقت، به هویتهای واقعی اجتماعی و طبقاتی مقدم و ارجحیت دارند!

آقای طبرزدی سهواً این جمله را بیان نکردند، ایشان روی یک فضا و یک سیاست و یک ظرفیت مخرب و ضد جامعه در اپوزیسیون راست ایران سرمایه گذاری میکنند تا پلتفرم سیاسی مورد نظرشان را پیش ببرند. نیروهای متفرقه اپوزیسیون بورژوائی ایران با وحشت از رشد مبارزات کارگری و تیز شدن انتقاد اجتماعی کارگر به وضع موجود، یادشان افتاده که کارگران هویت قومی دارند، اگر مخالف اعدام اند لابد بخاطر این است که "لر و بختیاری" اند، اگر مخالف قتل کارگران و بردگی موسوم به "کولبری" هستند، لابد بدلیل "کرد و بلوچ" بودن است، اگر میلیونها نفر علیه اعدام واکنش نشان می دهند لابد احساسات قومی و ملی و هویتهای دوره خانجانی و ممالک محروسه شان جریحه دار شده است! برآستی چقدر باید احساس خوشبختی کنیم که بورژوازی قرن بیست و یکمی ایران صدها مرتبه از بورژوازی دو قرن گذشته عقب تر است.

جناب طبرزدی، ناسیونالیست های محترم، شما مختارید خود را هرچه بنامید و هر تعلق عشیره ای، قومی، ملی، مذهبی داشته باشید. این جزو آزادی بیان شماست. اما شما مجاز نیستید به سیاست در مقیاس ایران رنگ قومی و ملی بزنید، بویژه ابدأ مجاز نیستید که کارگران را قصابی کنید و به "کرد و لر و بختیاری و ترک و فارس" و غیره تقسیم کنید. این کار غیر مسئولانه و خطرناک است. این تقسیمات با اهداف سیاسی خاص و ضد کارگری صورت می گیرد. قرار است کارگران منتسب به این هویتها کاذب به نیروی جنبش ارتجاعی مربوطه در تحولات جاری بدل شوند، قرار است از وحدت کارگران بعنوان یک طبقه مانع و جاده سیاست را برای بورژوازی مرتجع ایران هموار کند.

کمونیسیت ها و جنبش طبقه کارگر اگر مخالف بی تبصره اعدام هستند، به این دلیل است که اعدام را قتل عمد دولتی، آدمکشی قانونی، قتل نفس و نفی حق حیات انسانها میدانند و تاریخاً خود بیشترین قربانیان این جنایتهای سریال دولتها و قدرتهای سرمایه داری بوده اند. این مخالفت ادامه عدالتخواهی کارگری و سوسیالیستی است نه تعلق به قوم و عشیره و محل تولدی که هیچ کدام ما در تعیین آن نقشی نداشته ایم. کارگران اگر براساس سخنان شما و "جریحه دار شدن احساسات قومی" حرکت میکردند، باید تاکنون در نیشکر هفت تپه و پارس جنوبی و هرگوشه ایران همدیگر را تیکه پاره کرده بودند. باید ایران را یوگسلاوی و رواندا میکردند. شاید از اپوزیسیون بورژوائی ایران داشتن چنین انتظاری بیهوده است، شاید از ناسیونالیست های متفرقه چنین انتظاری عبث است، اما کارگران با سیاست آزادیخواهانه و برجسته کردن منفعت طبقاتی، با مبارزه شان علیه فقر و فلاکت اقتصادی و برای آزادیهای فردی و اجتماعی، بعنوان پیشقراولان جامعه و آینده عمل میکنند و از این موضع با اختناق و سرکوب و اعدام مخالفند. سیاست ایجاد تفرقه میان کارگران و صدور شناسنامه قومی برای آنان موقوف! از زبان خودتان حرف بزنید، هرچه میخواهید بگوئید اما به کارگر منتسب نکنید. اعدام قتل عمد دولتی است و باید فوراً لغو شود و بدون تردید طبقه کارگر لغو اعدام در ایران را تضمین میکند.

۴ اوت ۲۰۲۰

**ضمیمه:** واکنش کارگران هفت تپه به سخنان آقای طبرزدی منتشر شده در کانال مستقل کارگران:

### اعدام آدم کشی دولتی است!

### "کرد" و "لر" و "بختیاری" بودن حرف کارگر نیست!

یک فعال سیاسی به نام حشمت اله طبرزدی در مصاحبه با یک تلویزیون برون مرزی گفته است که کارگران جنوب چون عمدتاً لر و بختیاری هستند با اعدام چند جوان لر مخالفن! ایشان با این حرفش بین کارگران جدایی میاندازد و برای ما کارگران شناسنامه قومی صادر کرده است! کارگران مخالف اعدام هستند چون اعدام یک آدمکشی دولتی و قانونی است، برای ما فرقی نمیکند که چه کسی با چه زبان و لهجه ای و با کدام محل تولد اعدام می شود، ما با اعدام مخالفیم. ما میگوییم چرا دولت بخودش حق می دهد آدم بکشد و اسمش را "اجرای عدالت" بگذارد؟ چرا عدالت اینقدر بدبخت شده که برای اجرای آن به جنایت و قتل و کشتار و توحش متوسل شویم؟

ایشان که ظاهراً در یک تشکل، مسئول هم هستند، ما کارگران را به "لر و بختیاری" تقسیم بندی میکنند انگار که ما کارگر نیستیم و منفعت واحد مثل طبقه نداریم، بلکه در عوض لر یا کرد یا بختیاری یا ترک هستیم! یعنی اگر کارفرما هم مثلاً لر بود، دیگر رفیقیم؟! نه اینطور نیست. ما در هفت تپه چه لر و چه عرب علیه کارفرما چه لر باشد چه عرب چه خوانساری چه تهرانی مبارزه میکنیم. ما کارگران هفت تپه از کولبرها دفاع کردیم ولی خودمان کرد نبودیم! دفاع از هم طبقه ای ربطی به زبان و قومیت و ملیت ندارد.

آقا جان دنیا تغییر کرده، این حرفهای غیر مسئولانه را به اسم ما کارگران نزنید، برای ما شناسنامه قومی و ملی درست نکنید، ما همکاریم، کارگریم و تنها دشمن مان سرمایه داران و دولت شان است. اگر دست ما باشد، همین فردا اعدام را لغو میکنیم. #اعدام\_نکنید، #لغو\_اعدام".

پیام همکار

## بیانه کنکره نهم حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

## رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترناتیو کمونیستی کارگری است!

۱- بیش از هر دوره ای در تاریخ سیاسی ایران، امید و نگاهها به نقش رهایی بخش طبقه کارگر و جنبش کارگری برای نجات جامعه از مصائب فاجعه بار حاکمیت کاپیتالیستی و جمهوری اسلامی دوخته شده است. مردم جان به لب رسیده جامعه ایران در نبردی بی امان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آینده ای به دور از ستم و رنج و ناهنجاریهای کنونی، به آلترناتیوی متضمن آزادی و برابری و رفاه چشم دوخته اند. این باور که طبقه کارگر و آلترناتیو کارگری ظرفیت و توانایی ساختن آینده ای به دور از حاکمیت سرمایه و استثمار و تبعیض و نابرابری و تحقق سعادت و رفاه همگانی برای شهروندان را دارد، بیش از پیش توجه جنبشهای اعتراضی رادیکال و محرومان جامعه را به خود جلب کرده است. این نقطه عطف مهمی در مسیر تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع آزادی و برابری و حکومت کارگری و رهایی قطعی کل جامعه از مشقات نظم وارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی است.

۲- فوران خشم مردم تشنه آزادی علیه فقر، گرانی و فساد گسترده در تظاهراتهای سراسری دیماه ۹۶ و عروج مجدد جنبش عظیم سرنگونی این مدت و در آبانماه ۹۸ که قصد نابودی کل بساط جمهوری اسلامی را دارد، موجب تغییر جدی توازن قوا به نفع ادامه مبارزه کارگران و مردم عاصی از نظام سرمایه داری است. اقتدار ماشین سرکوب رژیم اسلامی درهم شکسته شده و امید به سرنگونی جمهوری اسلامی به باور عمومی جامعه تبدیل شده است. واقعیت مهم اینست، جنبش طبقه کارگر خود نیروی فعاله و سازنده شرایط خیزش توده ای امید بخش دیماه و آبان ماه ۹۸ بوده و هست. جنبش کارگری با تپش مبارزاتی خود قبل از دیماه ۹۶، با اعتصابات و اعتراضات کارگری مداوم، زمینه ساز به میدان آمدن توده ای مردم معترض علیه فقر و بیکاری و گرانی و سیستم فاسد حاکم بود. از آن دوره بیعد در اذهان مردم حق طلب و در افکار عمومی، جنبش کارگری به نیروی اول جدال سیاسی و طبقاتی جاری و به ستون محوری جنبش اعتراض توده ای و سرنگونی طلبانه تبدیل شده است.

۳- دوره جدید توانمند شدن مبارزات کارگری با گسترش اعتصاب و تجمعات اعتراضی به بخش زیادی از مراکزی کارگری و مشخصا از مقطع اعتصابات بزرگ بافق و چادرملو، هپکو، آذراب، شرکت واحد تهران و حومه، نیشکر هفت و فولاد اهواز در سالهای اخیر رقم خورد. این اعتراضات، ایستادگی در مقابل تعرض همه جانبه سرمایه داران و دولت به شرایط کار و معیشت طبقه کارگر بود. مقابله آگاهانه تر و سازمانیافته تر کارگری بود، علیه تحمیل زندگی چند بار زیر خط فقر، علیه کاهش دایمی دستمزدها و دستمزدهای معوقه یکماهه تا ۲۴ ماهه و گاه بیشتر، علیه ناامنی شغلی و بیکارسازی وسیع، علیه دستگیری و بازداشت فعالین کارگری، علیه قراردادهای سفید امضا، علیه کارکرد ضدانسانی شرکتهای پیمانی و علیه عواقب بسیار مخرب خصوصی



## رهایی جامعه ایران در گرو عروج

### آلترناتیو کمونیستی کارگری است ...

خلاء رهبری سراسری روپرو است. گامهای اولیه برداشته شده در بطن مبارزات کارگری جاری، با تغییر قدم به قدم تناسب قوا و با طرح و نقشه آگاهانه رهبران کارگری رادیکال و گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر، راه فایق آمدن بر این خلاء را نشان میدهد. شکل گرفتن ارتباط بین محافل رهبران و فعالین کارگری رادیکال و سوسیالیست، و ایجاد شبکه همگام و هم جهت رهبران کارگری مراکز کارگری مختلف با هم در سطح منطقه ای و سراسری، هم جیتی عملی مشترک در مبارزات پیش رو در راستای به وجود آمدن رهبری هم بسته و متحد منطقه ای و سراسری تحول مهمی در ابراز وجود قدرتمند جنبش کارگری خواهد بود، که لازمست با جدیت پیگیری شود.

**ب- مبرمیت گسترش مجامع عمومی و ایجاد شوراهای جنبش کارگری ایران در روند مبارزات جاری خود به مجامع عمومی به عنوان ظرف اولیه سازمانیابی خود متکی بوده است.** به همت و جسارت فعالین کارگری در موارد معینی اتحادیه و شورا و نهاد کارگری مستقل سازمان داده شده است. طرح "اداره شورایی" و گسترش تلاشهای مبارزاتی برای ایجاد شوراهای قدم مهمی در راستای سازمانیابی توده ای کارگری مورد نیاز جنبش کارگری است. با طرح اداره شورایی و استقبال از جنبش شورایی، جنبش کارگری و رهبران سوسیالیست کارگری بیش از پیش و هدفمند لازمست دامن زدن به جنبش مجامع عمومی و ایجاد شوراهای را در مراکز و رشته های کارگری در اولویت اساسی قرار دهند. به علاوه فراتر از یک مرکز کار و رشته کارگری، در سطح منطقه ای و سراسری هم با طرح و نقشه واقعی و زمینی تلاش برای ایجاد تشکل و شورای منطقه ای و سراسری کارگران را در دستور گذاشت.

**ج- به تحزب کمونیستی باید متکی شد:** تحزب کمونیستی بخش لاینفک و ضروری جنبش کارگری و سوسیالیستی در جدال سیاسی و طبقاتی دایمی با بورژوازی است. حضور قابل لمس گرایش کمونیستی و سوسیالیستی در جنبش کارگری ایران واقعیت قابل اتکای طبقه ما در نبرد همه جانبه با بورژوازی است. در شرایطی که جنبش طبقه کارگر به عنوان جنبش مدعی قدرت، رسالت هدایت مبارزه و تحرک انقلابی جامعه را به عهده دارد، واضح است، به سرانجام رساندن چنین رسالتی سازمان رهبری کننده و کمونیستی جنبش طبقه کارگر را میطلبد. در جدالهای سیاسی جامعه، جنبش ها و طبقات اجتماعی از کانال احزابشان نمایندگی میشوند. طبقه کارگر هم از طریق حزب کمونیستی خود باید در همه لحظات جدالهای اجتماعی و طبقاتی و به ویژه در مقطع تعیین تکلیف قدرت سیاسی نمایندگی شود. کارگران کمونیست، رهبران رادیکال و پیشرو کارگری لازمست به روشنی مبرمیت اتکا به تشکل یابی حزبی و حزبیت کمونیستی طبقه کارگر را در میان صفوف کارگران اشاعه دهند. با گرایش تحزب گریزی و دور کردن کارگران از دخالتگری در تحولات سیاسی مبارزه کنند. درس مهم انقلاب ۵۷ و درسهای برگرفته از همه تحولات مهم چند دهه اخیر این واقعیت بدیهی را تاکید میکند، که جنبش طبقه کارگر بدون تحزب کمونیستی خود و حزب کمونیستی هم بدون در هم تنیدگی طبقاتی و اجتماعی با طبقه کارگر نمیتواند آزادی و رهایی قطعی انسان را از استثمار و ستم ممکن سازند.

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعلام میکند، بعد از دی ماه ۹۶ و اکنون بعد از نبردهای عظیم شهری در آبان ماه ۹۸ برای جارو کردن جمهوری اسلامی، جامعه ایران در آستانه تحولات سرنوشت سازی قرار گرفته است. جمهوری اسلامی رفتنی است.

گرفتن سرنوشت خود و جامعه ابراز وجود کرد. طرح ایجاد شوراهای اداره شورایی نه فقط در سطح جنبش کارگری، بلکه در میان جنبشهای اعتراضی رادیکال و در سطح جامعه به شعار مبارزاتی تبدیل شده است. به علاوه تجربه به میدان آمدن طیف وسیعی از رهبران و فعالین و آژیتاتورهای روشن بین و جسور کارگری در نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز دستاورد مهم دیگری بود که دامنه آن به دیگر بخشهای جنبش کارگری گسترش پیدا کرد و تجربه میشود. دستاورد مهم دیگر این دو مرکز کارگری کشاندن اعتراضات به شهرهای شوش و اهواز، که موجب حمایت گسترده مردم از کارگران و خانواده های کارگری شریک در این اعتراضات و عجین شدن مبارزات کارگری و اعتراض توده ای با هم در مقابله با استثمار و زور و سرکوب و حاکمیت جمهوری اسلامی شد. اقدام مهم دیگر کارگران هفت تپه، تلاش جدی برای خنثی کردن اقدامات تفرقه افکنانه کارفرما و دولت و به ویژه هشدار آنها علیه ترفند تفرقه ملی در صفوف کارگران اعتصابی بود.

به علاوه دور جدید اعتصاب و اعتراضات کارگری ماههای اخیر نیشکر هفت تپه، هپکو و آذراب تاکید مجددی است، بر ظرفیت ها و ابتکارات مبارزاتی جدید در جنبش کارگری علیه کارفرمایان و دولت سرمایه. پافشاری بر خواست آزادی فعالین کارگری در بند و از جمله اسماعیل بخشی و دیگر دستگیر شدگان همراهش در اعتصاب دوره قیل از جانب کارگران هفت تپه، نمونه درخشان از همسرنوشتی و تعهد مشترک مبارزاتی را نشان میدهد، که نهایتاً با آزادی این دستگیر شدگان به ثمر رسید. اقدام مهم دیگر، باریگاد بندی کارگران هپکو و آذراب در مسیر راه آهن شمال و جنوب، کشاندن اعتراضات برحقشان به سطح شهر و دیگر اقدامات ملیتانت آنها و همبستگی هر دو مرکز کارگری در تحرک اعتراضی اخیر از هم، ابتکاراتی است که ظرفیتهای قابل گسترش جنبش کارگری علیه سرمایه داران و جمهوری اسلامی را تقویت کرده است.

#### ۶- جنبش کارگری و گامهای اساسی که باید برداشته شود!

جنبش طبقه کارگر ایران با شرایط حساس و رسالت تعیین کننده ای روپرو است. این شرایط توقعات مهمی را در مقابل جنبش کارگری و سوسیالیستی قرار میدهد که همزمان با مبارزه روزمره برای بهبود شرایط کار و زندگی در مبارزه برای سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی و خلع ید از نظم سرمایه داری به رسالت خود عمل کند. به سرانجام رساندن این رسالت در این مقطع در گرو تامین ملزوماتی است که ذیلاً بر آنها تاکید میکنیم:

**الف - تامین رهبری سراسری در مبارزات جاری:** اکنون جنبش کارگری ایران دارای طیف وسیعی از رهبران و فعالین کارگری شناخته شده و مبارز است و این دستاورد مهمی است. همه اعتراضات کارگری تاکنونی با ابتکارات رهبران و فعالین کارگری که در صحنه حضور داشتند، ممکن شده است. با این وصف و به دلیل محدودیتهای تاکنونی که بر جنبش کارگری تحمیل شده، هنوز جنبش کارگری با

## رهایی جامعه ایران در

## گرو عروج آلترناتیو

## کمیونستی کارگری

است...

دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت فرا رسیده است. تحولات امروز ایران فقط بر سر سرنوینی جمهوری اسلامی نیست. بلکه بر سر شکل دادن به آینده هم هست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. کنگره نهم حزب کمیونست کارگری - حکمتیست بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمیونسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمیونسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری در ایران فراهم شده است تاکید میکند. کنگره رهبران و فعالین کارگری رادیکال و همه کمیونستها و آزادیخواهان را برای تحقق چنین آینده و دورنمایی به همگامی مبارزاتی و پیوستن به حزب کمیونست کارگری ایران - حکمتیست فرامیخواند.

مصوب کنگره نهم با اکثریت آرا  
نوامبر ۲۰۱۹

### اطلاعیه مشترک

### پیش به سوی اعتصاب سراسری کارگران

کارگران بخش های وسیعی از مناطق اقتصادی، نفت، گاز و پتروشیمی جنوب کشور و استان فارس و اراک، بعضا برای اضافه دستمزد و بهبود شرایط کار و استخدام، و عمدتا در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زده اند. اعتراضات کارگران که از هفته پیش بطور پراکنده آغاز شده بود، از صبح روز شنبه ۱۱ مرداد، به طور همزمان و در اقدامی هماهنگ از طرف کارگران و کارکنان پالایشگاه آبادان، پالایشگاه پارسین، پتروشیمی لامرد و پالایشگاه فازهای ۲۲ و ۲۴ پارس جنوبی کنگان به یک اعتصاب یکپارچه و بهم پیوسته تبدیل شد. در روز دوم اعتصاب، بسیاری از کارگران پالایشگاه جفیر در نزدیکی اهواز و کارگران فاز ۱۴ پارس جنوبی و همچنین کارگران شرکت پترو پالایش در عسلویه نیز به اعتصاب کنندگان پالایشگاه های آبادان، قشم، پارسین لامرد و فازهای ۲۲ و ۲۴ پارس جنوبی پیوستند. همینطور شرکت هپکو اراک روزهای شنبه و یکشنبه و دوشنبه برای تعیین تکلیف وضعیت شرکت اعتصاب کردند. اعتصابات دیگری مانند کارگران اتوبوسرانی و کارخانه کاشی سازی نیز در همین روزها صورت گرفت.

کارگران و کارکنان مناطق اقتصادی جنوب کشور، که در گرمای طاقت فرسای بعضا تا بالای ۵۰ درجه کار می کنند، در اعتراض به سختی شرایط کار، نبود امکانات ایمنی و رفاهی و پرداخت نشدن به موقع حقوق و مزایای شان دست به اعتصابی متحدانه زده و اعلام کرده اند، تا رسیدن به خواست ها و مطالبات شان به سر کار باز نخواهند گشت.

اعتصاب هماهنگ و گسترده کارگران و کارکنان مناطق اقتصادی، نفت و گاز و پتروشیمی استان های جنوبی کشور، یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری ایران در ۴ دهه گذشته است. شکل گیری این اعتصاب بهم پیوسته را باید به فال نیک گرفت و در تقویت و حمایت و گسترش آن کوشید. این اعتصاب در شرایطی صورت گرفته است که کارگران مبارز شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراضی پیگیر و شورانگیز، ۵۱ امین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشته اند و تاکنون هیچ پاسخی از طرف کارفرما و دولت حامی آن، به مطالبات بر حق آنان، از جمله پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه، بازگشت به کار اسماعیل بخشی و سایر کارگران اخراجی و لغو خصوصی سازی داده نشده است.

در شرایط کنونی، که بحران های ژرف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، سرتا پای هیئت حاکمه ایران را فرا گرفته است، در وضعیتی که دولت جمهوری اسلامی در ورشکستگی کامل دست و پا می زند و تمامی سیاست های داخلی و خارجی طبقه حاکم با شکست و ناکامی مواجه شده است، در شرایطی که نارضایتی عمومی سرتاسر جامعه را فرا گرفته و فقر و بیکاری و مرگ و میر ناشی از ویروس مرگبار کرونا بر سر کارگران و توده های زحمتکش ایران آوار شده است، روی آوری کارگران و کارکنان مناطق اقتصادی استان های جنوب کشور به اعتصابی هماهنگ و بهم پیوسته، نوید رویش پرشکوه اعتصابات توده ای و گسترده کارگری را در صنایع کلیدی ایران در فضای شدت ملتپت سیاسی و رویارویی توده ای با حکومت اسلامی به نمایش گذاشته است.

این اعتصابات به عموم توده های مردم ناراضی و منزجر از جمهوری اسلامی امید و نیرو بخشیده و شرایط را برای گسترش اعتراضات کارگری و برآمدهای توده ای و انقلابی فراهم کرده است. اعتصابات کارگری کنونی و چشم انداز گسترش آن موثرترین سلاح بزیار کشیدن جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار حاکم بر ایران و نیز شکل دادن به یک روند انقلابی در سیاست مبارزاتی توده های مردم ایران جهت گسترش جنبش شورائی و برقراری یک دولت انقلابی شورایی و کارگری است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمیونست، حمایت قاطع و همه جانبه خود را از اعتصاب گسترده و متحدانه کارگران و کارکنان بخش های نفت و گاز و پتروشیمی استان های جنوب کشور اعلام می کند و همراه با کارگران مبارز برای تحقق خواست های برحق آنها تلاش میکند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمیونست، کارگران و کارکنان دیگر بخش های نفت و گاز و پتروشیمی کشور، به ویژه کارگران و کارکنان قرارداد دائم این مناطق اقتصادی را به حمایت و همبستگی با همکاران اعتصابی خود فرا می خواند.

زنده باد اعتصاب یکپارچه بخش های نفت و گاز و پتروشیمی در سراسر ایران

زنده باد همبستگی و اتحاد طبقاتی کارگران ایران

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۳ مرداد ۱۳۹۹ (۳ اوت ۲۰۲۰)

امضاها: اتحاد فدائیان کمیونست، حزب کمیونست ایران، حزب کمیونست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر،

سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## بیانیه ۸۰ سندیکا و شکل کارگری در سراسر دنیا درباره اعتصابات در ایران

### موج اعتصابات در ایران: ما حمایت می کنیم ...

-انگلستان  
کارگران صنایع جهان - کمیسیون همبستگی بین المللی (IWW) -  
تبادل اطلاعات بین المللی (آلمان TIE) آلمان  
گرایش بین المللی (رهایی) - فرانسه  
ردیاب جهانی مانیتورینگ - (GMO) هنگ کنگ  
گرایش سندیکالیست انقلابی - (CSR) فرانسه  
نه به تضعیقات، هماهنگی مبارزه - ایتالیا  
همبستگی سوسیالیستی با کارگران در ایران - (SSTI) فرانسه  
ابتکار همبستگی پایه - (BASO) آلمان  
مقاومت کارگری - کارگران فیات-ایریس بوس - ایتالیا

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

کنفدراسیون متحد کارگران مهاجر - (CUB Immigrazione) ایتالیا  
هماهنگی خود مدیریتی حمل و نقل (CAT) ایتالیا  
کنفدراسیون متحده کارکنان اعتبارات و بیمه - (CUB SALLCA) ایتالیا  
اتحادیه کارگران راه آهن - اتحادیه ملی کارگران / (SYTRAIL / UNTM) ایتالیا  
اتحادیه کارگران صنایع غذایی - کنفدراسیون اتحادیه های کارگران انقلابی (GIDA-IŞ / DISK) - ترکیه  
اتحادیه ملی کارگران قطار کوچک آبی - (SNTPTB) سنگال  
انجمن ملی کارکنان صندوق تامین خدمات اجتماعی - (ANFACSS) پاناما

شورای دبیرستان های - (CLA) الجزایر  
کنفدراسیون متحده حمل و نقل - (CUB Trasporti) ایتالیا  
اتحادیه همبستگی آموزش عالی - (SESS) الجزایر  
اتحادیه کارگران خدمات پستی فلسطین - (PPSWU) فلسطین  
اتحادیه دانشجویان - (USE) بلژیک  
اتحادیه کارگران مخابرات - (STCC) پرتغال  
اتحادیه کارگران صنایع نفت - (Sinutapetrolgas) ونزوئلا  
اتحادیه کارکنان بهداشتی و کارکنان دولتی مکزیک  
اتحادیه کارگران پست کانادا - (STTP) کانادا  
سندیکای مستقل کارگران پست - (SAP) سوئیس  
فدراسیون ملی خبرنگاران آموزش و پرورش - (SUTEChili)  
پلتفرم ملی سازمان های حرفه ای بخش عمومی - ساحل عاج  
اتحادیه کنگره، لیورپول - (TUC Liverpool) انگلیس  
سندیکای مستقل ایالتی برشا - (ORMA Brescia) ایتالیا  
فدراسیون سندیکایی خدمات دولتی SUD ، کانتون ود (SUD Vaud) سوئیس  
اتحادیه کاتالونیا - (Metro SU) کاتالونیا  
اتحادیه چرم سازان توزلا و ازمیر - (DERİ-IŞ Tuzla et Izmir) ترکیه  
اتحادیه دیگر، کانتون ود (L'autre syndicat) سوئیس  
سندیکای خدمات عمومی، شهر بروکسل (CGSP / FGTB) -  
Brussels بلژیک  
کارگران انترناسیونالیست ای. گ. متال برلین (IG Metall Berlin) -  
آلمان  
دانشگاه بوینس آیرس، بهیا بلانکا (SUTEBA / CTA de Bahia) -  
Blanca آرژانتین  
اتحادیه کارگران صنایع نفت و گاز خصوصی (Chubut) (CGT) -  
آرژانتین  
اتحادیه کارکنان دانشگاه و کالج UCU لیورپول (UCU Liverpool)



تمام مسئولان این مملکت شرمنده این کودک و نگاه نگرانش باشند. تمام این مسئولان. چه آنها که مستقیماً در آمدن بخش خصوصی و اختلاسگران به هفت تپه نقش داشتند، چه آنها که در پرونده اختلاس سهیم بودند و چه آنهایی که اکنون نقشه های جدید برای هفت تپه کشیده اند. همه این مسئولان شرمنده این کودک باشند! در این سرزمین پر از ثروت چرا کودکان ما گرسنه و اندوهگین هستند؟ همگی دست به دست هم دهیم و یک زندگی انسانی که شایسته کودکانمان است برایشان بسازیم! اخراج دزدان بخش خصوصی از هفت تپه قدم اول است...

پیام همکار - کانال مستقل کارگران هفت تپه

**یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!**

## بیانیه ۸۰ سندیکا و شکل کارگری در سراسر دنیا درباره اعتصابات در ایران

### موج اعتصابات در ایران: ما حمایت می کنیم!

در ایران بیماری همه گیر کرونا و ویروس کوید ۱۹ بیداد می کند. در رابطه با این وضعیت فاجعه بار به استناد یکی از اعضای همبستگی سوسیالیستی با کارگران در ایران در فرانسه: «بیمارستان ها اشباح شده اند و فاقد امکانات درمانی اند. توده های کم درآمد از همه چیز محرومند: پیشروی بیماری خیره کننده است. در ایران سیستم بهداشت و درمان به شدت در خطر است. به دلیل فساد داخلی و سوداگری های مالی میلیون ها نفر علاوه بر مشکلات اقتصادی، بیکار شده و هیچ منبع درآمدی ندارند. با بحران کرونا ویروس میزان بیکاری و تورم باز هم به طرز چشمگیری افزایش یافته است. فشارهای اقتصادی متناسب با نمودار پیشرفت این بیماری بر میزان فلاکت مردم افزود است.

در ۱۵ ژوئیه عفو بین الملل در بیانیه ای می گوید: «در ایران شاهد افزایش هوشیار دهنده توسل به مجازات اعدام برای تظاهر کنندگان، دگراندیشان و اقلیت ها قومی بوده ایم». در طی ماه ژوئیه، احکام اعدام هشت تن از تظاهر کنندگان علیه گرانی زندگی در سال گذشته، توسط شورای عالی قضایی تأیید شدند. محکومیت اولیه سه تن از آن ها به اسامی امیر حسین مرادی، محمد رجبی و سعید تمجیدی آن چنان اعتراضات گسترده ای را در فضای مجازی موجب شد به طوری که رژیم را وادار به تعلیق موقت اجرای احکام کرد.»

در این شرایط و در مواجهه با سرکوب کماکان شدید رژیم حاکم، زنان و مردان کارگر در ایران به مبارزات خود ادامه می دهند. اعتصاب ها چند برابر شده اند. کارگران زن و مرد کارخانه نیشکر هفت تپه بیش از ۵۰ روز در اعتصاب به سر می برند. این طولانی ترین اعتصاب در تاریخ آن ها است، اما این اعتصاب عامل بسیار مهم مقاومت و مبارزات اجتماعی بوده است. اعتصاب کنندگان خواستار پرداخت دستمزد معوقه سه ماه گذشته و دولتی شدن مجدد کارخانه خود هستند. چند روز پیش، هزاران کارگر در چند بخش از صنایع نفت و پتروشیمی با هماهنگی کامل اقدام به اعتصاب کردند. در آخر هفته گذشته معلمان در برابر مجلس شورای اسلامی تظاهراتی ترتیب دادند و بی عدالتی های اجتماعی را محکوم کردند.

سازمان های عضو «شبکه سندیکائی جهانی همبستگی و مبارزه» بار دیگر بر حمایت و همبستگی خود با کارگران ایران تأکید می کنند. همبستگی بین المللی امری اساسی است، مبارزات خود را به گوش همه مردم جهان برسانیم!

اتحادیه کارگری و مردمی برزیل - (CSP-Conlutas) برزیل  
کنفدراسیون عمومی کار - (CGT) اسپانیا

اتحادیه سندیکای همبستگی - (Solidaires) فرانسه  
کنفدراسیون عمومی کار (CGT-B) - بورکینافاسو  
کنفدراسیون جنبش مردم اندونزی - (KPRI) اندونزی  
کنفدراسیون سندیکایی (Intersindical) - اسپانیا  
اتحادیه ملی مستقل کارکنان دولت - (SNAPAP) الجزایر  
نبرد کارگر - هائیتی

اتحادیه سندیکایی ایتالیایی (USI) - ایتالیا  
کنفدراسیون ملی کارگران - همبستگی کارگری (CNT SO) فرانسه  
اتحادیه کمیسیون های پایه - (CO.BAS) اسپانیا  
سازمان مستقل عمومی کارگران هائیتی (OGTHI) - هائیتی  
سندیکای بین حرفه ای - (SI COBAS) ایتالیا

کنفدراسیون ملی کار - (CNT-f) فرانسه  
سندیکای آلترناتیو کاتالونی - (IAC) اسپانیا  
اتحادیه عمومی کارگران صحرا - (UGTSARIO) صحرای غربی

همگرایی چپ سندیکایی - (ESK) باسک  
کنفدراسیون ملی کارگران سنگال - (CNTS / FC) سنگال  
فدراسیون اتحادیه های مستقل کارگری - (EFITU) مصر  
سندیکای خودمدرییتی کارگران (SIAL-COBAS) - ایتالیا  
فدراسیون عمومی اتحادیه های مستقل - (GFIU) فلسطین  
کنفدراسیون طبقه کارگر - (CCT) پاراگوئه  
شبکه همبستگی کارگران - پرو

اتحادیه مترقی کارگران نیجر - (USPT) نیجر  
اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل کارگران سنگال - (UNSAS) سنگال  
اتحادیه ملی برای دفاع از طبقه کارگر - (UNT) السالوادور  
همبستگی کارگری - (SO) اسپانیا

اتحادیه ملی کارگران راه آهن، دریایی و حمل و نقل - (RMT / TUC) انگلستان

مرکز ملی کارکنان - کنفدراسیون اتحادیه های کارگری مسیحی (CNE / CSC) بلژیک

اتحادیه ملی کارگران کشاورزی (SINALTRAINAL / CUT) - کلمبیا

فدراسیون عمومی پست، تلفن و مخابرات - اتحادیه عمومی کار (FGPPT / UGTT) تونس

اتحادیه کارگری - اتحادیه کارکنان بخش مالی یونان  
اتحادیه ملی کارگران خدمات بهداشتی انسانی - (SYNTRASEH) بنین

اتحادیه کارگران فیوچرز - (ASFOC-SN) برزیل  
سازمان های سندیکایی مستقل راه آهن - (ORSA Ferrovie) ایتالیا

اتحادیه ملی معلمان (UNNOH) - (هائیتی)  
کنفدراسیون متحده کارکنان دانشگاه تحقیقات دانشگاهی پایه (CUB) - ایتالیا

اتحادیه کارگری و مردمی برزیل - (CSP-Conlutas) برزیل  
کنفدراسیون عمومی کار - (CGT) اسپانیا